

سوره عاطفه

به یاد دوست دیرینه غایب از زندگی دکتر حسین شکویی

• دکتر مصطفی مؤمنی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

درآمد:

در محضر خداوند بزرگ و در حضور روح ماندگار دوست عزیز از دست رفته، دکتر حسین شکویی، قصه‌ای پرغصه را در شب غم‌آلود دهکده جهانی برای شاگردان شکویی، که فرزندان علمی اویند، با زبان مادری او آغاز می‌کنم:

حیدر بابا کُندین گونی باتاندا

أشاقلارون شامین ییوپ یاتاندا

آی بولوتدان چخوب تامش گوز آتاندا

بیژدنده بیرسن اولارا قصه ده

قصه هیزده چوخلی غم و غصه ده

«شهریار، محمدحسین، حیدربابا به سلام»

با دلی پردرد عرض می‌کنم:

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز

چون توان کرد که سعی من و دل باطل بود.

حافظ

مویه‌ها و بیان عواطف در یاد و خاطره شکویی نشان داده است که در میان دانشوران کشور ما گوهرهایی وجود دارد که چه به هنگام زندگی و چه به هنگام ورود به کوی حقیقت گوهر یکدانه و چشم و چراغ‌اند.

این شرح بی‌نهایت کز حسن دوست گفتند

حرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد

«حافظ»

دکتر مصطفی مؤمنی استاد گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی و برنده جایزه پژوهش و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران است. او از سال ۱۳۴۶ هم دوره کارشناسی ارشد شادروان دکتر شکویی بوده است، و تاکنون به ویژه پس از انتقال ایشان به تهران همواره، همراه، دوست و هم‌اندیش با او در زمینه‌های جغرافیای شهری و کاربردی بوده است. به گفته خودشان مرگ شکویی دردآورترین رنج زندگی‌اش به شمار می‌آید. در مقاله زیر ایشان آنچه را در دل دارد بر قلم رانده است. ایشان در زمان حیات شکویی با همین قلم در بزرگداشت و نقد آثار او قلم زده‌اند.

(کتاب ماه)

دکتر مؤمنی :

اگر استاد شکویی را بخواهم در یک جمله خلاصه کنم، می گویم و می نویسم: «او مرغ حقی بود که چند ده سال عدالت فضایی و عدالت اجتماعی را فریاد می کرد.»

احترام آمیز در کلاس جاری می شود و بعد سخنان گرم استاد است که فضا را پر می کند و از فلسفه جغرافیا می گوید (سال ۱۳۵۳).

اگر استاد شکویی را بخواهم در یک جمله خلاصه کنم، می گویم و می نویسم: «او مرغ حقی بود که چند ده سال عدالت فضایی و عدالت اجتماعی را فریاد می کرد.» همواره در کلاس های درسش (که فرصت زیادی در این مورد برایم پیش آمد) از عدالت فضایی و عدالت اجتماعی سخن می گفت. این گفته و تأکید استاد از اندیشه زیبایش در مورد برابری انسان ها و نیاز به برآورده کردن نیازهای اولیه و انسانی آن ها برمی خاست. استاد همواره به انسان به دیده احترام، تساوی و خلاقیت می نگریست. او فارغ از هر رنگ و نژاد، زبان و مذهب، انسان ها را مخلوقات مساوی خدا می دانست که باید محیط - محیط جغرافیایی - را می ساختند و نیازهایشان از طرف این محیط برآورده می شد. او به حکومت ها و دولت ها به چشم برآورده کنندگان و توزیع کنندگان امکانات محیطی نگاه می کرد و همواره دولت ها را خادمان انسان ها در محیط های گوناگون جغرافیایی می دانست. از آنان انتظار داشت همه را به یک چشم بنگرند و زندگی را برای آنان سهل سازند. شعار استاد «زندگی کن و بگذار دیگران نیز زندگی کنند» بود.

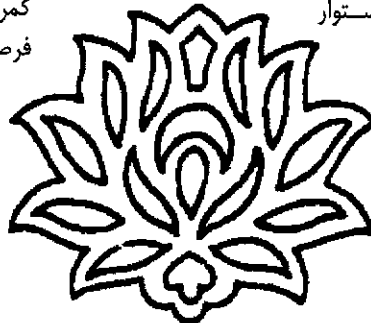
طرح مفاهیم ارزنده جغرافیایی همچون چشم انداز، عدالت فضایی، تعریف های جغرافیا و گسترش مفاهیم گوناگون فلسفی - جغرافیایی از جمله کوشش های ارزشمند و گرانسنگ استاد شکویی بود. او که همه زندگی اش را وقف توسعه و گسترش مرزهای دانش جغرافیا کرد، از دانشجویانش که از طریق کسب مشاغل اجتماعی به اجرایی شدن مفاهیم جغرافیایی شهری کمر بسته بودند، با دلخوشی یاد می کرد. از فرصت هایی که در اختیار دانش آموزانش قرار می گرفت تا تئوری ها را در عرصه محیط و اجتماع به عمل بنشانند، خوشحال و همواره تشویق کننده دانشجویان فعال کلاس های درسش بود.

اخلاق، متانت، انسانیت، ادب، نوع دوستی و میهن پرستی از جمله سجایای

این عبارتهای پاک و این آه های درد و دریغ از درگذشت جغرافیادان با پروای ما نشانگر و بیانگر قدردانی جامعه جغرافیای ایران از زحمات اوست. شادروان دکتر شکویی در سال ۱۳۱۲ در تبریز متولد و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در آنجا به پایان برد، او جزو زبده ترین فارغ التحصیلان رشته تاریخ و جغرافیای دانشگاه تبریز (۱۳۳۷) و نیز درخشانترین چهره علمی فارغ التحصیل دوره فوق لیسانس جغرافیای انسانی دانشگاه تهران (۱۳۴۶) بود. ایشان از سال ۱۳۴۶ عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز بود.

او در طول دوره تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد به طور کوتاه مدت به آمریکا سفر کرد و به مطالعه عمیق کتب و نشریات جغرافیایی انگلیسی زبان، شیدایی خاصی به جغرافیا پیدا کرد. او به شهادت همدوره های خود از جمله نگارنده از برخی استادان خود بیشتر به آخرین منابع جغرافیایی انسانی و به خصوص جغرافیای شهری دسترسی داشت. در واقع دریافت دانشنامه فوق لیسانس جغرافیای انسانی برای او تنها راهگشای ورود او به گروه جغرافیای دانشگاه تبریز بود. ایشان در سال ۱۳۵۴ به اخذ دکتری در جغرافیا از ترکیه نایل گردید. شکویی با پشت سر گذاشتن سال های دل انگیز و گرم دبیری، دو دهه نیز در گروه جغرافیای دانشگاه تبریز با تدریس مشغول بود. ثمره آن سال ها چندین و چند تألیف و پژوهش برجسته و تربیت شخصیت هایی است که هم اکنون در دانشگاه های کشور خود استادان پرورده استاد خویش اند. خاطره و داوری دکتر شایان، شاگرد پیشین (۱۳۵۳) و همکار ارزنده او در مجله رشد جغرافیا چنین است:

«وقتی نام دکتر شکویی مطرح می شود، تصویر اولیه ای که از او به ذهنم می آید، قدم های استوار اوست از میان ردیف درختان چنار جلوی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه تبریز که به سوی ساختمان می آید، پله ها را طی می کند تا به طبقه ی سوم - گروه جغرافیا می رسد، در کلاس را باز می کند و همه ما به احترامش از جای برمی خیزیم. سکوتی



طرح مفاهیم ارزنده جغرافیایی همچون چشم‌انداز، عدالت فضایی، تعریف‌های جغرافیا و گسترش مفاهیم گوناگون فلسفی - جغرافیایی از جمله کوشش‌های ارزشمند و گرانسنگ استاد شکویی بود

بود و بچه‌ها را تا آخر خیابان مشایعت می‌کردند تا مبدا ناراحتی و مشکلی برایشان پیش بیاید. خیلی انسان‌های شریفی بودند و من گاهی احساس می‌کنم که امروزه جای آنها در اجتماع ما خالی است. من از دوره‌های دبستان و دبیرستان خیلی رضایت دارم. همیشه معلمان ما در زندگی برایمان پناهگاه و تکیه‌گاه بودند.^۲

در جای دیگری در همین مصاحبه فرموده‌اند: «... به هنر هم علاقه‌مندم. سابقاً که هنوز وجود خسته نبود، موسیقی سنتی برایم جالب بود و جاذبه داشت، ولی الان دلگیرم می‌کند. می‌گویند نگذارید غم‌های کهنه بیدار شوند که اگر بیدار شوند، همه وجود را می‌سوزانند. از این رو، با وجود این که آن وقت‌ها به موسیقی ایرانی علاقه‌مند بودم، الان نمی‌توانم زیاد گوش کنم، چون حال و هوای زندگی من، پر از حسرت، درد، رنج روحی و ... بوده است. به این دلیل، بازنمایی آن رنجه‌ها و دردها با موسیقی ایرانی، خیلی برایم غمبار است. به یاد گذشته می‌افتم، به یاد مادر، پدر و از دست رفته‌ها. شکست‌هایی که در زندگی داشته‌ام، عرم و بی‌صدافتی‌هایی که در محیط دیده‌ام، همه این‌ها به صورتی در زندگی تأثیر گذارند.»^۳

در روزی که برای همدردی با او، پس از درگذشت مادر گرامی‌اش به منزل او رفته بودم، عنوان می‌کردند: در منزل دو اشکوبه‌ای تبریز شب‌ها تا دیر وقت سرگرم ترجمه و تدوین جزوه برای دانشجویان بودم، مادر و خاله و همشیره در اطاق طبقه پایین گل می‌گفتند و گل می‌شنیدند و من بی‌آنها مشغول کارهای علمی بودم. اکنون حاضریم همه آنچه را که به دست آورده‌ام بدهم و لحظه‌ای در نزد آنها باشم.^۴

در روزگار ما «دردل» شکویی به سوی همه، با برخورداری از شعله تبریزی، شمس تبریزی باز بوده و این صفت و خصلت نیکان و بزرگان هر عصر و زمانی است. شکویی در زمره خردمندانسی بود که می‌دانست که «از کجا همی آیند و کجا همی شوند» و با چشم بصیرت راه خود را اندر سفری رونده که هر آن رفتن را هیچ درنگی و التیامی نیست، برگزیده بود. او در پاسخ پرسشی به مضمون میزان علاقه به جغرافیا پاسخ می‌دهد «جغرافیا برای من نوعی زندگی بود. واقعیت این است و اگر دوباره به دنیا بیایم، باز هم مدرس جغرافیا می‌شوم. اما زندگی‌ام

ارزشمند اخلاقی استاد بود که آن‌ها را با رفتار، نه با گفتار به دانشجویان منتقل می‌کرد...»^۱

شکویی از سال ۱۳۶۴ تا زمانی که در قید حیات بودند با عزت و کرامت در دانشگاه تربیت مدرس در گروه جغرافیا به استادی پرداخت و دانشجویان برجسته‌ای تربیت کرد. اما دامنه آموزش او سراسر گروه‌های جغرافیایی دانشگاه‌های کشور را مستقیم یا غیرمستقیم فراگرفت. از نقش برجسته او به یادگار چند خصلت و اثر بزرگ در دل‌های ما و در ادب و فرهنگ استادی جغرافیای کشور، ماندگار شده است:

- شکویی سرشار از عاطفه و عشق بود. زندگینامه او «سوره عاطفه» است. او در سیر طریق زندگی علمی «عاشق و ش» به صحنه جغرافیا آمد. او در پرتو عشق ازلی و ابدی عاشق بیکران مردم، شاگردان، همکاران و برفراز آنها خانواده به ویژه مادر بود. زیرا اینک می‌دانست:

بیرون ز سواد اعظم عشق است

آن را که به کوی دوست مأوانیست

دریای بحر عشق شو، هر چند

تا درنگری کرانه پیدا نیست

حساسیت بسیار و عاطفه دقیق از خصلت‌های ارزنده او بود. اینها را می‌توان در دلبستگی‌های او به گذشته به روشنی دریافت چنانچه که خود بیان می‌کند:

«من در سال ۱۳۱۲ متولد شدم، دوره دبستان را در شهر تبریز و دبیرستان را نیز در مدرسه لقمان همان جا گذراندم. معلمان خیلی خوب و برجسته‌ای داشتم که روش و منش آنها در آن دوره، بر زندگی من خیلی تأثیر گذاشت. مثلاً در دوره دبستان، مرحوم ساویز مدیر دبستانمان بود. آن وقت‌ها، ششم ابتدایی نهایی بود. سوالات از تهران می‌آمدند و دیپلم می‌دادند. ایشان برای اینکه ما در امتحانات آخر سال موفق باشیم، صبح زود قرآن به دست می‌آمد و ما را از زیر قرآن رد می‌کرد. آنها افراد بزرگوار و عزیز بودند و تمام زندگی خود را وقف آموزش بچه‌ها می‌کردند. دانش‌آموزان بیشتر مثل فرزندانمان بودند تا دانش‌آموز یا بیگانه.

خدا رحمت کند آقای میرفخرایی را که رئیس دبیرستان ما بود. ایشان روی ایوان مدرسه می‌ایستادند که مشرف به خیابان



اندیشه او در جست‌وجوی شهر انسانی، درچارچوب عدالت پرواز می‌کرد.

با آثار او زندگی جغرافیایی ایران تا مدت‌ها دوام خواهد داشت و خاطر ما با خاطره‌های زیبا از شکویی تازگی می‌یابد.

- شکویی شاگردان توانمندی برای جغرافیای کشور، به یادگار گذاشت و به آنها توصیه کرد از خشک اندیشی، جمود فکری، ساده اندیشی در موضوعات علمی و اجتماعی و از پیشداوری‌های زمانه در امان بمانند و به وظایف وجدانی خود عمل کنند، تا تفکرات جغرافیایی پربرتر، زنده‌تر و واقعی‌تری را در جامعه مطرح سازند. استاد نیک‌اندیش، نیک گفتار و نیک کردار جغرافیای ایران با قامت راستی که داشت معنی و مفهوم ایرانی فردوسی‌وار بود. او به قول پروین اعتصامی:

«شکفت و عطر برافشاند و خنده کرد و بریخت

نتیجه گل افسرده عاقبت این بود»

گشاده‌روی، فروتنی و محبت ویژگی درونی و ذاتی او بود. پیشگفتار هر رساله‌ای تحت راهنمایی و یا مشاوره او را که بازکنی بیان همین نکته‌ها و برتر از آنهاست. خانم دکتر جمیله توکلی‌نیا که رساله دکتری ایشان را مشاوره کرده در سپاسگزاری پایان نامه آورده است: «از محضر استاد ارجمند

را تنظیم و شیوه آن را عوض می‌کنم. راه معلمی به جای خود، تدریس جغرافیا و علاقه به جغرافیا هم به جای خود اما شیوه زندگی‌ام را این طور انتخاب نمی‌کنم که حالا انتخاب کرده‌ام.» (مصاحبه با دکتر شکویی تابستان ۱۳۸۴)

این علاقه شدید شکویی به جغرافیا سبب شد تا شکویی بیش از هر جغرافیادان دیگر ایرانی با منابع انگلیسی جغرافیا و آخرین دست‌آوردهای جغرافیایی، به ویژه جغرافیای شهری و اجتماعی، کاربردی و فلسفه جغرافیا از طریق مجلات و کتاب‌های معتبر کشورهای توسعه یافته جهان، هم دم باشد و پیوند ناگسستنی تا آخر عمر خود با آنها پیدا کند.

او به حق

جوهر جُست از آن دریای فرهنگ

به چنگ آورد و زد بردامش چنگ
(نظامی گنجوی)

چشم جغرافیایی شکویی چون دیده تذرو «دوربین» بود و مرجحاً بر این تذرو که افق‌های بی‌کران جغرافیایی را زیر نظر داشت و برای دانشجویان گشود. او هر جا اثری برجسته می‌دید آن را برمی‌گرفت و تحویل جامعه جغرافیایی ایران می‌داد. او در نهان‌شناسی رازهای پنهان دردهای جامعه ما، تلاش‌ها کرد،

در زمینه مطالعات جغرافیای شهری عمومی، طرح مسایل و راه‌های مقابله با آنها نخستین کتابی که به صورت مستقل در ایران، انتشار یافته است اثر دکتر حسین شکویی به نام جغرافیای شهری

عارفانه می‌نگریستند و برای جغرافیا این امکان را قائل بودند تا از سوی زمین را همچون «واحدی» از جهان طبیعی دریابد و از سوی دیگر تنوع و تکثر عظیم مناطق، نواحی و هستنده‌های بی‌جان و جاندار بر روی آن را، با توجه به رابطه انسان و محیط، درک و بررسی کند.

روشن است که انجام کار علمی سزاوار «وصف زمین» و «تنوعات گوناگون» آن در عین گیرایی بسیار دشوار است. وصف زمین، که انسان، محیط و روابط بین آنها را دربرمی‌گرفت و می‌گیرد همیشه جوهر اصلی تعریف و موضوع جغرافیا را تشکیل داده و خواهد داد. منتها اسلوب شناخت پدیده‌ها و موضوعات جغرافیایی بسته به مقتضیات علمی زمان و انتظارات زمان و دگرگونی‌های اجتماعی در تحول دائم است، به طوریکه در جریان انقلاب علمی - فنی پس از جنگ جهانی دوم، به ویژه از ربع آخر قرن بیستم رویکرد به جغرافیا نیز، با توجه به علل زیر، دستخوش تحول و تکامل گردیده و بر بهره‌دهی عملی و کاربرد آن، به ویژه در برنامه‌ریزی‌های فضایی (= آمایش سرزمین)، در روند جهانی شدن افزوده و در موارد بسیاری، زمان و مکان را فشرده کرده است:

- تکامل و شاخه دوانی علوم، به ویژه در زمینه‌های روش‌شناسی، پرداختن نظریه‌های علمی، رشد راه و روش‌های کشف مواد و جهان‌های ناشناخته، خصوصاً در علمی که با بررسی زمین سروکار دارند،
- توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته و روند شتاب‌انگیز جهانی شدن و امکان سرمایه‌گذاری‌های عظیم در گسترش علوم و فنون،
- رشد خارق‌العاده در فناوری سنشگرهای عکاسی و عکسبرداری، تکامل فضایی‌یابی، افزایش ماهواره‌های اطلاعاتی، تحقیقاتی، دورسنجی، دیده‌بانی هوا و منابع طبیعی و نظارت بر زمین، تهیه نقشه‌ها از عکس‌های رنگی ماهواره‌ای،
- پیشرفت‌های محیرالعقول ابزارهای محاسباتی و اطلاعاتی رایانه‌ای، نرم‌افزارها و سخت‌افزارها، داده‌پردازایی، برنامه‌ریزی و نقشه‌سازی کامپیوتری و شیوه‌های پیشرفته چاپگرها و همچنین به کارگیری سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)،
- نیاز روزافزون به برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین

و گرنامه‌ی دکتر شکویی که همواره دانشجویان خویش را با روی گشاده و فروتنی می‌پذیرند و با راهنمایی‌های نوین علمی و با آموزه‌های اخلاقی و لطافت طبع از هراس و اضطراب دانشجویان می‌کاهند به خاطر قبول مشاوره این رساله تقدیر و تشکر می‌نمایم». چنین روابطی با دانشجویان وظیفه انسان‌های خردمند و با فضیلت است. تجلی این صفات در روح انسان‌ها خبر دردهایی از «من» امکان‌پذیر نیست. بردیا کیانی در اشاره به همین رهایی می‌گوید:

کاش می‌فهمیدند و می‌دانستند که چه دل‌تنگ است
شاخه‌های زرد غروب

و چه زیباست شادابی گل سرخ و رهایی از ورطه هولناک
غرور «بردیا کیانی، بهار ۱۳۷۶ تهران»
آخرین کلام درآمد اینک، ادامه آئین عاطفی - علمی
چهل ساله شکویی را باید همکاران و شاگردانش بیش از پیش
دریابند و برخیزند و نهان نیک جغرافیایی او را درخت نیکو
سازند. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا شکویی‌های زمان، البته
با اعزام دانشجویان به کشورهای پیشرفته در جغرافیا پرورش
یابند و امیدوارم گفته سنایی تکرار شود که ما «کوکو گویان»
دنبال شکویی بگردیم.

«باز مردان چو فاخته در کوی

طلوق در گردند کوکوگوی»

شکویی و جغرافیا

پس از درآمد، نیاز است اندکی به شط آب خوش جغرافیا
که طایر فکر شکویی در «دام اشتیاق» آن گرفتار آمد و آن را از
درون فرهنگ عظیم جغرافیای بشری بیرون کشید و هدیه به
تشنگان جغرافیا کرد، بررسی کنیم.

موضوع جغرافیا همواره در طول دو هزاره اخیر «زمین»، تنها
«سیاره» قابل زیست در جهان بوده و جغرافیا، در معنا و مفهوم
«وصف زمین» در دل خود تعریف این علم را هم دربردارد، که
تعریف آن مانند هر علم دیگر به تدریج دقیق‌تر و عمیق‌تر شده
است. جغرافیدانان بزرگ افق دید خود را چنان گسترانیده بودند
که حتی تا همین اواخر «کیهان‌شناس» نیز به شمار می‌رفتند. آنها
جایگاه زمین را در منظومه شمسی در فضای جهانی می‌دیدند،
به زمین چونان خانه و وطن انسان با حرمت و حیرت عالمانه و

«دانش کنونی» وظیفه خود را به عنوان «پژوهش سیستم» می‌شناسد، زیرا کل جهان واقع یا عینی و اجزای آن را می‌توان چونان «سیستم تودرتو» تفسیر کرد. جغرافیا چون علم است، از این رو امروزه مانند سایر علوم موضوع آن «سیستم» می‌باشد

عضویت در دانشگاه تبریز و گروه جغرافیای تبریز در کتاب فلسفه جغرافیا به بار نشست است. این کتاب هنوز زنده است و جزو آن دسته کتاب‌های راهنمایی است که دانشجویان جغرافیا باید از آن راه وارد قلمرو پهناور جغرافیا می‌شوند. شکویی در سرآغاز کتاب خود فلسفه جغرافیا را عبارت می‌داند از: «جهان بینی خاص از روابط جوامع انسانی و عوامل محیط طبیعی، پیوند واقعیت پدیده‌ها به یکدیگر جهت آشنایی با وحدت و تجانس ناحیه‌ای و بالاخره شناخت اصول و قوانین حاکم بر روابط انسان با طبیعت. مثل این است که فلسفه جغرافیا از وحدت نظام یافته‌ای سخن می‌گوید که در عین کثرت از وحدت و تجانس بهره‌مند است.» مقالات و کتاب‌های ارزنده دکتر حسین شکویی در زمینه جغرافیای شهری در مدت عضویت او در هیأت علمی دانشگاه تبریز در این مرحله از زندگی او تا آنجا که نگارنده بر آنها آگاه است، به قرار زیر است:

- مقدمه بر جغرافیای شهری، ۱۳۴۶.
 - تکامل جوامع شهری و شهرهای ۴۰ میلیونی، ۱۳۴۷.
 - جغرافیای شهری، بخش نخست، ۱۳۴۸.
 - چهره و بافت شهرهای خاورمیانه، ۱۳۴۹.
 - سیر تکوینی جغرافیای شهری، ۱۳۵۰.
 - جغرافیای بزرگ بازارها، ۱۳۵۲.
 - شهرک‌های جدید، ۱۳۵۳.
 - جغرافیای شهری، بخش دوم، ۴۵۳۱.
 - حاشیه‌نشینان شهری، ۱۳۵۵.
 - مسئولیت‌ها و تنگناها در انتقال حاشیه‌نشینان تبریز، ۱۳۵۶.
 - خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، ۱۳۵۷.
 - محیط زیست شهری، ۱۳۵۸.
- در زمینه مطالعات جغرافیای شهری عمومی، طرح مسایل و راه‌های مقابله با آنها نخستین کتابی که به صورت مستقل در ایران، انتشار یافته است اثر دکتر حسین شکویی به نام جغرافیای شهری، بخش نخست ۱۳۴۸ است. مقدمه وزین دکتر منوچهر مرتضوی، رئیس وقت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز بر این کتاب وضعیت زندگی شهری جهان و ایران و کیفیت این نخستین اثر نو پدید در جغرافیای شهری را در آن

در سطوح محلی، منطقه‌ای، کشوری، بین‌المللی و جهانی^۵ و اکنون «دانش کنونی» وظیفه خود را به عنوان «پژوهش سیستم» می‌شناسد، زیرا کل جهان واقع یا عینی و اجزای آن را می‌توان چونان «سیستم تودرتو» تفسیر کرد. جغرافیا چون علم است، از این رو امروزه مانند سایر علوم موضوع آن «سیستم» می‌باشد، منتها باید «سیستم جغرافیایی» موضوع علم جغرافیا را در چارچوب تعریف جغرافیا روشن کرد.

سوشکین در پرتو رویکرد سیستمی، جغرافیا را چنین تعریف کرده است:

جغرافیا دانش قوانین تحول و ساختارهای سیستم‌های مکانی (طبیعی و اقتصادی) است، که در سطح زمین در جریان روابط متقابل طبیعت و جامعه پدیدآمده‌اند و به یاری نقشه نمایش داده می‌شوند، همچنین دانش ساماندهی و هدایت این سیستم‌ها با هدف سازماندهی فضایی مطلوب زندگی جامعه و بهبود محیط زیست است.^۶ از جمله سیستم‌های جغرافیایی می‌توان به سیستم‌های: اقیانوسی و دریایی؛ رودها؛ شکل‌های ناهمواری؛ یخچالی؛ زیستی؛ سیستم‌های انسانی؛ شهری، روستایی، ناحیه‌ای، تولیدی، رابطه شهر و روستا و نظام شهرها اشاره کرد.

در تعریف سنتی جغرافیا «انسان و محیط و سازمان فضایی»، که علی‌الاصول بر اثر روابط انسان و محیط پیدا می‌شود، اساس تعریف جغرافیا بود. اکنون برای اینکه تعریف جغرافیا، هر چهار رکن جغرافیا، یعنی جغرافیای طبیعی، انسانی، کاربردی و نظریه‌ای را در پویش زمان بر مبنای «تئوری سیستم‌ها» دربرگیرد و نتیجه‌گیری‌های علمی از آن را شامل شود. دانش‌واژه‌های: قوانین تحول (در زمان)، ساختارهای طبیعی و اقتصادی (= انسانی)، جریان (= فرآیند) دیالکتیکی، ساماندهی و هدایت سیستم‌های فضایی در جهت سازماندهی مطلوب زندگی جامعه و محیط زیست در تعریف سوشکین از جغرافیا گنجانیده شده و از میان ابزارها و فنون جغرافیایی از نقشه یاد شده است. با مروری در کارها و نوشته‌های چهل ساله دکتر شکویی متوجه می‌شویم که او در تعمیق و بسط فلسفه و روش‌شناسی جغرافیا به ویژه بعد از دوران دانشجویی خود در دوره کارشناسی‌ارشد، بسیار کوشیده است و نتایج آن به هنگام

در جغرافیای اجتماعی شهرها شکویی علم و عاطفه را در موارد زیادی به هم آمیخته است

زمان موجز و مختصر بیان می‌کند:

«جامعه‌های انسانی در قرن بیستم، ضمن قرا گرفتن در مسیر نوین تحول و تکامل، گرفتار نابسامانی‌ها و بی‌هدفی‌های جدید نیز گردیده است. با آنکه بشر در زمینه‌های علمی و فرهنگی به پیروزی‌هایی درخشان نایل آمده و حتی آرزوی دست یافتن به فضا‌های دیگر به تحقق پیوسته است ولی مشکلاتی دیگر نظیر افزایش دایم جمعیت، کمیود مسکن، توسعه زاغه‌ها و زاغه‌نشینی، بالارفتن میزان تباهی‌ها و بزه‌کاری‌ها و گریز از معنویات در جوامع شهری روبه‌فزونی است.

بنابراین صاحب نظران و محققان مسایل شهری از هم‌اکنون با دورنگری خاص جغرافیایی، دورنمایی از شهرهای بی‌روح و ناموزون آینده را طرح می‌کنند که در آنها جمعیتی از ۸ تا ۲۰ میلیون تن درهم خواهند آمیخت و این مسأله چندان حایز اهمیت است که عنوان «در شهر جایی نیست» از فصول جالب و هیجان‌انگیز تألیفات و تحقیقات در مسایل شهری به شمار می‌آید.

اگرچه امروزه کشور ما شاید در یکی دو شهر با این مسایل روبرو باشد ولی آشکار است که با تحول شگرفی که در همه شئون کشور روی می‌دهد در سال‌های آینده کشور ایران با قرار گرفتن در مسیر جامعه‌های پیش رفته جهان دچار مشکلات موجود در آنها نیز خواهد شد. با توجه به این مسایل اهمیت این گونه مطالعات و بررسی‌ها بیشتر روشن می‌شود و تنها با استفاده از روش‌های علمی می‌توان آگاهانه به مقابله مشکلات شتافت و پیش از به وجود آمدن آن چاره‌ای اندیشید.

کتابی که هم‌اکنون از نظر علاقه‌مندان به مطالعات جغرافیایی می‌گذرد نخستین کتابی است که در این زمینه در کشور ما منتشر می‌شود و مؤلف آن آقای حسین شکویی معلم جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی توانسته است گامی توفیق‌آمیز در این زمینه از دانش نوین بردارد. مؤلف کوشیده است تا چهره شهرهای امروزی جهان را همراه با مسایل پیچیده و مشکلات فراوان آنها به وضوح نشان بدهد و نقش آموزنده و سازنده جغرافیای شهری را در عصر حاضر بنمایاند.

در تهیه این کتاب سعی مؤلف بر آن بوده است تا از آخرین مطالعات و تحقیقات برجسته‌ترین جغرافی‌دانان جهان

بهره بگیرد چنانکه ۲۶ مأخذ از ۲۸ مأخذ انگلیسی این کتاب از تحقیقات و تألیفات است که بین سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۹ انجام یافته است.

امید است این کتاب که روشنگر حدود و قلمروهای تازه‌ای است که دانشمندان جغرافیای شهری مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند مقدمه‌ای سودمند برای آغاز مطالعات جغرافیای شهری در ایران واقع گردد.^{۱۹}

فهرست مندرجات فصول کتاب نیز تقریباً همان باب‌هایی است که جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری کشورهای انگلوساکسن تا سال ۱۹۶۹ میلادی (= ۱۳۴۸) گشوده‌اند. پشتوانه و زیربنای هر فصلی و هر بابی از این کتاب، نتایج صدها کتاب، مقاله و گزارش به وسعت جهان و در طول حداقل یکصد سال تاریخ جغرافیای شهری نوین است:

«فصل اول: کلیات: (تعریف و حدود قلمرو جغرافیای شهری، تعریف شهر، مراحل تکوین و جمعیت‌یابی شهرها، اکولوژی شهری، طرح والت کریستالر، نقش شهرها...)

فصل دوم: شهرنشینی و توسعه شهری: (شهر در تاریخ، مشخصات شهرهای قرون وسطی، شهرنشینی و توسعه شهری در نواحی مهم جغرافیایی)

فصل سوم: شهرهای متروپلیتن جهانی (پیچیدگی مسایل شهرهای متروپلیتن جهانی، زاغه‌ها، علل زاغه‌نشینی...)

فصل چهارم: نقش وسایل ارتباطی در شهرها (تکنولوژی و بافت شهر...)

فصل پنجم: متابولیسم شهرها (تأمین آب شهرها، مسأله آلودگی آبها، آلودگی هوای شهرها...)

فصل ششم: بازارها

فصل هفتم: بخش مرکزی شهرها. در این فصل بحث «نظری به بخش مرکزی و چهره بخش مرکزی تبریز» که از پژوهش‌های میدانی خود مؤلف می‌باشد، بسیار نو است.

فصل هشتم: حومه‌های شهری...^{۲۰}

ایشان در مقاله «چهره و بافت شهرهای خاورمیانه» به سال ۱۳۴۹ باز هم برای اولین بار از نظر جغرافیای شهری به بررسی «علت وجودی و مشخصات شهرهای خاورمیانه اسلامی»، مطالعه «چهره و بافت، ساختارها و کارکردهای دوران اسلامی



شکویی شاگردان توانمندی برای جغرافیا کشور، به یادگار گذاشت و به آنها تکرار کرد از خشک اندیشی، جمود فکری، اندیشی در موضوعات علمی و اجتماع از پیشداوری‌های زمانه در امان بمانند وظایف وجدانی خود عمل کنند، تا تفکر جغرافیایی پر بارتر، زنده‌تر و واقعی‌تر در جامعه مطرح سازند. استاد نیک‌اندیش نیک گفتار و نیک کردار جغرافیای ایران قامت راستی که داشت معنی و مفهوم آبر فردوسی‌وار بود. او به قول پروین اعتصامی:

این شهرها، مقایسه شهرهای خاورمیانه با شهرهای اروپا در قرون وسطی با ذکر مثال‌ها از شهرهای کشورهای اسلامی، شهرنشینی و ترکیب جمعیت شهری شهرهای خاورمیانه اسلامی می‌پردازد و شالوده مطالعات بعدی جغرافیای شهری شهرهای کشورهای اسلامی را می‌نهد.

در مقاله «سیر تکوینی جغرافیای شهری» سال ۱۳۵۰ شکویی ابتدا تاریخچه جغرافیای شهری را از سال ۱۸۱۵ در ایالات متحده آمریکا ردیابی کرده، سیر آن را در قرن نوزدهم و قرن بیستم تا سال انتشار مقاله، با اشاراتی به جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری در انگلیس دنبال می‌کند. این مقاله به معرفی «مفاهیم اکولوژیکی در جغرافیای شهری، روند سردمداران آن در آمریکا و برخی از نظرات آنان پرداخته، دیدگاه «محیط‌گرایی در جغرافیای شهری» را از نظر گرفتاری تیلور^{۲۱} در مطالعات شهری چکیده‌وار بیان می‌کند. او برای اولین بار در ایران به نتایج بررسی‌های جالب جغرافیدانان شهری اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۵۷، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۵ می‌پردازد و بار دیگر نظری بر جغرافیای شهری در آمریکا می‌اندازد و چکیده طرز تفکر جغرافیایی هارولد مه‌یر را در جغرافیای شهری که از سال ۱۹۵۰ به بعد به عنوان اساس کار در مطالعات شهری پذیرفته شد مرور می‌کند: «متخصصین جغرافیای شهری شهرها را با روش‌های مختلفی بررسی می‌کنند، آنها شهر را به عنوان بخشی از کالبد سکونت به شمار می‌آورند و ممکن است الگوها و فرم‌های امروزی آن را مطالعه کنند، اثرات تکاملی پدیده‌ها را بنگرند و یا تغییرات و دگرگونی‌های ممکن را پیش‌داوری نمایند. این جغرافی‌دانان ممکن است شهر را به عنوان یک پدیده اقتصادی به همراه نگرش‌های اجتماعی و سیاسی مطالعه کنند و یا جستجوگر نقش شهری باشند و آن را در توسعه و یا توقف شهر دخالت دهند و وظیفه و عملکرد شهر را در حوزه مربوطه

بررسی نمایند ولی اغلب جغرافیدانان سعی دارند که همه این مسایل را یکجا مطالعه کنند.»^{۲۲}

این مقاله با محتوای غنی خود پایه‌ای است که می‌توان از آن برای مقایسه - هرچند در مقیاس کوچک - وضعیت کمی و کیفی جغرافیای شهری ایران و آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی آن زمان استفاده کرد: «هم اکنون که این سطور نگاشته می‌شود، به سال ۷۰-۱۹۷۱ در مطالعات شهری و جغرافیای شهری ۴۰ دانشگاه معروف آمریکایی دوره‌های Ph.D. دایر کرده‌اند.

در جامعه متروپلیتن آمریکا، سطوح علمی بسیار پیشرفته و نگرش‌های خاص جغرافیایی گروه‌های دانشگاهی، رشته جغرافیای شهری را بیش از پیش با نیازهای شهری پیوند داده و آن را در حل مسایل و نارسایی‌های شهری ارج و اعتبار بخشیده است. زیرا در جامعه دانشگاهی آمریکا، همراهی و همکاری جغرافی‌دانان، اقتصاددانان، کارشناسان طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، جامعه‌شناسان و مهندسان ترافیک شهری لازم آمده و این رشته از دانش جغرافیا را در مسیرهای کاملاً تازه‌ای قرار داده است.»^{۲۳}

با چنین آگاهی از وضعیت جغرافیای شهری در جهان است که حسین شکویی تلاش‌های پایدار و پرتیمری را در اخذ قسمتی

وصف زمین، که انسان، محیط و روابط بین آنها را در برمی گرفت و می‌گیرد همیشه جوهر اصلی تعریف و موضوع جغرافیا را تشکیل داده خواهد داد

جهان شهرها، شهرک‌های جدید امکانات مساعدی برای ساکنان خود تهیه می‌کند. به دیگر سخن، جهت تازه‌ای در شهرنشینی عرضه می‌دارد.

۲- شهرک‌های جدید در توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی جغرافیایی تأثیر فراوان دارد و همه روستاها و نقاط منطقه نفوذ از بخش خدمات شهرک‌ها بهره‌مند می‌شوند.

۳- شهرک‌های جدید محل کار و زندگی را توأم و با هم فراهم می‌کند. در اهمیت طرح و ایجاد شهرک‌های جدید همین بس که گفته شود آینده شهرنشینی در دنیا و بالطبع در کشور ما به مطالعه و بررسی همین طرح‌ها بستگی دارد.

پس از انتشار این کتاب حسین شکویی دست به انتشار بخش دوم کتاب جغرافیای شهری خود به سال ۱۳۵۴ می‌زند،^{۲۶} که در واقع نه تنها مکمل بخش نخست جغرافیای شهر اوست، بلکه حاوی مطالب کاملاً جدیدی بود و به منابعی که به تازگی درباره برخی از شهرهای خاورمیانه و یا ایران چاپ شده است نیز دسترسی یافته و از مضامین جدید آنها استفاده کرده‌اند. افزون بر این حاوی برنامه‌ریزی شهری هم می‌باشد.

مثال‌های روشن و گویای کتاب، به خصوص نکات بنیادی درباره شهرهای خاورمیانه و ایران در آن روزگاران اهمیت بنیادی دارد. بررسی محتوای دو جلد کتاب جغرافیای شهری باید در چهارچوب امکانات محدود آن هنگام انجام گیرد تا زحمات ایشان مشخص‌تر گردد و دانشجویان ما بدانند برای یافتن معادل‌های خارجی دانشواژه‌های جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی در زبان فارسی چه رنج‌ها که تحمل شده است.

حسین شکویی نخستین کتاب مسأله‌گرای خود را درباره حاشیه‌نشینان شهری به سال ۱۳۵۵ از دیدگاه جغرافیای اجتماعی انتشار داد.^{۲۷} این کتاب چهار فصل با یک نتیجه‌گیری دارد: فصل اول: ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین (با ۳۹ زیر فصل)،

فصل دوم: عمران و نوسازی مناطق حاشیه‌نشین (با ۱۸ زیرفصل)،

فصل سوم: برنامه‌ریزی اجتماعی و مناطق حاشیه‌نشین (با ۱۹ زیرفصل)،

فصل چهارم: خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن

از این میراث عظیم علمی جهان انجام می‌دهد و این هنگامی است که ذخیره علمی جغرافیای شهری ایران از چند نفر، با چند مقاله و کتاب در نمی‌گذشت. بدین ترتیب شکویی علاوه بر مقالاتی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ انتشار می‌دهد به سال ۱۳۵۳ به تدوین کتاب شهرک‌های جدید^{۲۸} می‌پردازد:

شکویی در کتاب شهرک‌های جدید «گامی دیگر در راه بررسی و معرفی مسایل شهری برداشته و سابقه و چگونگی و ویژگی‌های چشم‌اندازی نو را در زمینه آینده شهرنشینی معرفی کرده‌اند».^{۲۹} این نخستین کتابی است که اصولاً به زبان فارسی در آن هنگام انتشار یافته و شهرک‌های جدید و سیر آنها را از دیدگاه جغرافیایی بیشتر در کشورهای غربی، که این شهرک‌ها حاصل پاسخ آنها به حل مسایل شهرهای بزرگ است، بررسی می‌کند. حسین شکویی اندیشمند دورنگری است که موضوعات حساس جغرافیایی را هموار ساخته، به موقع دیده و دنبال کرده است. پیشگفتار و فهرست مطالب کتاب موضوع و فلسفه وجودی شهرک‌های جدید را به خوبی بیان می‌دارد.

«شهرک‌های جدید رنگ و آهنگ جغرافیایی دارد. این شهرک‌ها از یک سو بر زیبایی‌های محیط طبیعی تکیه می‌کند و از سوی دیگر زمینه مساعد فرهنگی و شرایط دلخواه اجتماعی را فراهم می‌آورد. هم‌اکنون در نبردی که علیه ویرانی و پاکسازی محیط زیست انسان در جریان است شهرک‌های جدید ارج و اعتبار می‌یابند چرا که این قبیل شهرک‌ها، مردم بیگانه به همه ارزش‌های انسانی را از شهرهای تب‌آلود، نآشنا و کم عاطفه امروزی می‌رهاند و آنها را در یک محدوده معین «شهرک جدید» که در آن پیوند طبیعت، سنت، مذهب و ارزش‌های جامعه انسانی همه شهر را می‌پوشاند به کار و زندگی می‌گیرد.

تقریباً دو دهه است که جهان ما به سرعت زیر پوشش متروپلیتن‌ها قرار گرفته است و در این راه، محیط زیست خصمانه‌ای بر انسان شهرنشین تحمیل می‌شود. در اینجاست که ایجاد شهرک‌های جدید با تأیید همگان روبرو می‌گردد و دورنمایی بس جالب و امیدبخش در نظر شهرنشینان مجسم می‌سازد. آگاهی از ارزش‌ها و اهمیت شهرک‌های جدید تجزیه و تحلیل موارد زیر را ضروری می‌نماید:

۱- در برابر مسائل و مشکلات زندگی در کلان‌شهرها و

در انتخاب محله مسکونی همواره رقابت‌هایی میان گروه‌های شهری در جریان است و گروهی برنده می‌شود که از قدرت و درآمد بیشتری بهره‌مند است

(با ۱۸ فصل) و نتیجه‌گیری (با دو زیرفصل). مؤلف محترم در پیشگفتار متین خود چکیده‌ای از مسایل را به خوبی بیان می‌کند:

«قرن بیستم را در یک سیاره روستایی آغاز کرده‌ایم. در این آغاز از هر ۵ نفر ۴ نفر در حوزه‌های روستایی زندگی می‌کردند. اما در پایان قرن بیستم، با این افزایش بی‌امان جمعیت شهری، سیاره زمین به یک سیاره شهری تغییر نقش می‌دهد و در یک نقشه جغرافیایی، متروپلیتن‌ها، بیشتر نواحی جهان را می‌پوشانند. در این میان شرایط اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی شهرهای ممالک در حال توسعه به سرعت دگرگون می‌شود و توده‌های روستایی، شتاب‌زده از نواحی جغرافیایی رها می‌گردند و به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند. امروزه بین ۲۰ درصد تا ۵۰ درصد جمعیت شهرهای ممالک در حال توسعه در مناطق حاشیه‌نشین و زاغه‌نشین زندگی می‌کنند. در یکی دو دهه آینده این نسبت باز هم به نفع حاشیه‌نشینان تغییر جهت می‌دهد. بدینسان که در اواخر این قرن، صدها میلیون بی‌خانمان، حاشیه‌نشین و بیگانه با فرهنگ شهری، شهرها را به اردوگاه فقیران تبدیل می‌کنند و هم اکنون جهان ما در نیمه راه این فاجعه قرار دارد. این تنها یک شهر و یا یک کشور دنیا نیست که به مشکلات ناشی از کمبود مسکن و حاشیه‌نشینی گرفتار آمده باشد بلکه در لس‌آنجلس، نیویورک، مسکو، توکیو، پاریس، کلکته، ساووپولو و بالاخره در همه شهرهای پرجمعیت کمبود مسکن و توسعه حاشیه‌نشینی با شدت و ضعف ادامه دارد. هم اکنون بیش از نصف جمعیت دنیا در اطاق‌هایی زندگی می‌کنند که در آنها سه نفر یا بیشتر اقامت دارند و از تجهیزات لازم نیز بی‌بهره‌اند.

در این جا بهتر است ویژگی‌های همه زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشینان را از زبان خود مؤلف بیان کنیم تا موضوع متن کتاب روشن‌تر گردد:

«۱- واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده با تجهیزات ناقص.

۲- تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی

مردم.

۳- فقر اقتصادی مردم.

۴- گوشه‌گیری مردم از همه جریانات شهری.
۵- ایجاد مرزهای پردوام در اطراف محله و جدائی‌گزینی مردم از سایر طبقات شهری.
۶- عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمان‌های مسئول به احتیاجات محله.

کلمه زاغه، از مدتها پیش یک جنبه منفی در اذهان مردم سراسر دنیا به وجود آورده و این کلمه یادآور زشتی‌هایی است که لازم است از آنها دوری جست... منطقه زاغه‌ها به شهرک‌هایی می‌مانند که در یک یا چند منطقه چسبیده به شهر به وجود می‌آید و از خانه‌های کثیف و غیربهداشتی تشکیل می‌شود. منطقه زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشینان شهری معمولاً در زمین‌های غیرمجاز توسعه می‌یابد و از مواد و مصالح کم دوام ساختمانی ساخته می‌شود».^{۲۸}

شکویی با طرح مسأله حاشیه‌نشینان در چارچوب جغرافیای شهری عمومی دست به مورد پژوهشی خاصی درباره «مسئولیت‌ها و تنگناها در انتقال حاشیه‌نشینان تبریز» می‌پردازد و در سال ۱۳۵۶ موفق به انتشار نتایج آن به صورت مقاله‌ای می‌شود.^{۲۹}

تألیف کتاب محیط زیست شهری در این مرحله از جغرافیای شهری، که انتشار آن به اولین بهار پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ کشید، انجام می‌گیرد. دکتر حسین شکویی که اندیشه، احساس، مسئولیت عاطفی و علمی او را نسبت به سرنوشت شهرنشینانی در بحث‌های کتاب حاشیه‌نشینان شهری (۱۳۵۵) و مسئولیت‌ها و تنگناها در انتقال حاشیه‌نشینان تبریز (۱۳۵۶) دیده‌ایم، به مسایل محیط زیست شهری با همان احساس رو می‌کند و باز هم اولین کتاب جغرافیایی را در این زمینه تدوین می‌نماید. او ضمن طرح، بحث و تحلیل مسایل محیط زیست شهری به «طرق مقابله با خطرهای ناشی از این آلودگی‌ها و نارسایی‌ها، به دورنمای گریز از بحران و تجسم محیط زیست مطلوب با توجه به معیارهای جهانی و غربی پرداخته‌اند».^{۳۰} پیشگفتار مؤلف محترم گویای مضمون کتاب است:

«در همه کشورهای و نواحی جغرافیایی، جمعیت به سرعت افزایش می‌یابد. این جمعیت، زندگی مطلوب را در جامعه شهری



جغرافیا تعیین می‌کند.^{۳۱}

سرفصل‌های کتاب بیانگر موضوعات اساسی مورد بحث است و در زیرفصل‌های هر یک از فصول، مطالب به طور روشن و مستند بر مبنای تجارب علمی غرب بیان می‌گردد.

شکویی یادداشت‌های ارزنده خود را در زمینه جغرافیای اجتماعی و جغرافیای کاربردی در تبریز تدوین کرد و سپس در سال ۱۳۶۵ آنها را انتشار داد. دو جلد کتاب جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی و جغرافیای اجتماعی شهرها را باید جزو میراث علمی عظیم او در تبریز منظور داشت. شکویی با تألیف کتاب جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی راهی تازه در تفکرات جغرافیایی گشود. فصول کتاب گواه تازگی آن از هر حیث است. بنیه این کتاب معتبر گویای دامنه وسیع دانش شکویی در قلمرو جغرافیای کاربردی است.

در جغرافیای اجتماعی شهرها شکویی علم و عاطفه را در موارد زیادی به هم آمیخته است، مقدمه کتاب جغرافیای اجتماعی شهرها گویاترین حکایت شهر از دیدگاه دکتر شکویی است:

«شهر، کانون همه جاذبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این مکان انسان را از بربریت به اوج تمدن رسانیده و آگاهی‌های او را جلال و شکوه بخشیده است. محققان، متفکران و طبقات مختلف شهری هر یک به نحوی در مورد زندگی شهری به داوری می‌نشینند: عده‌ای عقیده دارند که شهر به مثابه یک دوزخ واقعی است، شهر کانون همه بی‌رحمی‌ها و محرومیت‌هاست، شهر به صورت یک تله است،

جست‌وجو می‌کند. با افزایش جمعیت شهری، بخش‌های صنعتی، تجاری و خدماتی شهر توسعه می‌یابد و سطح مصرف در جامعه شهر بالا می‌رود. در نتیجه، شهر جهت‌پذیری از مهاجران، انبارکردن کالاها، توزیع و فروش کالا، جابجایی مردم و امر ارتباطات زمین‌های بیشتری می‌طلبد. از اینجا به بعد، در برابر وسعت‌یابی شهرها، سرعت مداخلات غیرمنطقی انسان در محیط زیست شهری بالا می‌گیرد اما نظارت آگاهانه انسان بر جامعه شهری و منطقه نفوذ آن کاهش می‌یابد. روشن است که به همراه این جریان‌ها، غالباً با سه پدیده روبرو هستیم:

۱- جمعیت شهرهای بزرگ به سرعت زیاد می‌شود و با توسعه غیرمنطقی شهرها، آلوده‌سازهای جدیدی وارد جامعه شهری می‌گردد. میزان مرگ و میر بالا می‌رود، مرگ زودرس، برون‌نشیت مزمن، آسم، سردرد دائمی، فشار عصبی - روانی، سرطان شش و ضعف شنوایی به شدت مردم این قبیل شهرها را گرفتار می‌سازد.

۲- شهرهای کوچک به آرامی جمعیت می‌پذیرند و به ندرت به کانون‌های مطمئن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شوند.

۳- روستاها با شتاب از جمعیت خالی می‌شوند و نوار فقر، بدبختی و بیکاری و بیماری در حاشیه شهرها از مهاجران روستایی به وجود می‌آید.

با توجه به موارد فوق، در این کتاب سعی می‌شود با نگاهی گذرا، اثرات آلودگی هوا، آلودگی صوتی، اهمیت فضای سبز و شدت‌یابی امراض در جامعه شهری بیان گردد بدانسان که دانش

شکویی در سرآغاز کتاب خود فلسفه جغرافیا را عبارت می‌داند از: «جهان‌بینی خاص از روابط جوامع انسانی و عوامل محیط طبیعی، پیوند واقعیت پدیده‌ها به یکدیگر جهت آشنایی با وحدت و تجانس ناحیه‌ای و بالاخره شناخت اصول و قوانین حاکم بر روابط انسان با طبیعت. مثل این است که فلسفه جغرافیا از وحدت نظام یافته‌ای سخن می‌گوید که در عین کثرت از وحدت و تجانس بهره‌مند است

هم پرمنا و واقعی است:

«جدایی‌گزینی اکولوژیکی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که ساکنان شهرها از نظر درآمد، مذهب، نژاد، پایگاه اجتماعی - اقتصادی به دسته‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شوند. از این رو در انتخاب محله مسکونی همواره رقابت‌هایی میان گروه‌های شهری در جریان است و گروهی برنده می‌شود که از قدرت و درآمد بیشتری بهره‌مند است. نتیجه رقابت‌های گروهی منجر به جدایی‌گزینی اکولوژیکی گروهی از گروه دیگر می‌شود. بدینسان که هر گروهی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی برابر، معتقدات مذهبی یکسان و یا هم نژاد بودن، گرد هم می‌آیند و منطقه یا محله‌ای را جهت سکونت خود انتخاب می‌کنند و یا از روی اجبار به زندگی در محله‌ای که جامعه شهری برای آنها تعیین کرده است تن درمی‌دهند. به موازات جدایی‌گزینی اکولوژیکی، هر یک از محلات شهری مشخصات ویژه‌ای به خود می‌گیرد و از چهره و بافت معینی تبعیت می‌کند که با سایر محلات شهری تفاوت دارد.

در شهرهای ممالک در حال توسعه و شهرهای غربی، با تبعیت از پایگاه اجتماعی - اقتصادی، کارگران ساده، کارگران ساختمانی، مهاجران روستایی، دستفروشان، کارمندان، بازرگانان، هر یک محله ویژه خود را دارند چرا که از پایگاه اجتماعی - اقتصادی یکسان و همانند بهره‌مندند. البته این بدان معنی نیست که مثلاً در یک محله کارگری، کارمندی زندگی نمی‌کند بلکه مراد این است که اکثریت ساکنان محلات به یک پایگاه اجتماعی - اقتصادی معین تعلق دارند.»

جدایی‌گزینی اکولوژیکی معمولاً با جدایی‌گزینی مکانی یا فاصله‌فیزیکی در رابطه است که در پایان کار به جدایی‌گزینی اجتماعی در شهرها می‌انجامد. بدینسان که قشرها و گروه‌های ویژه شهری، با زندگی در محدوده معین (محله) و عدم تماس با سایر قشرهای شهری، حاکمیت فاصله اجتماعی میان خانواده‌های شهری را سبب می‌گردند و شهر را به قطعاتی تقسیم می‌کنند که هر قطعه با - قطعه دیگر به علل فاصله فیزیکی و فاصله اجتماعی جدا شده‌اند.^{۳۳}

تصویر شکویی از شهر بزرگ جهان سومی قاره آسیا گویی تهران را نشان می‌دهد:

شهر کلکسیون همه تیره بختی‌ها و سیه‌روزی‌های جامعه بشری است، شهر به مثابه خانه اموات می‌نماید، شهر منشأ سقوط همان تمدنی است که خود پرورش داده است. در برابر این طرز تفکر، عده‌ای دیگر معتقدند که شهر کانون اصلی همه میراث‌های فرهنگی، عواطف و احساسات بشری است، شهر به صورت موزه اندیشه‌ها، تفکرات، شیوه نظام‌های حکومتی و نحوه نگرش به عدالت اجتماعی است، شهر تجلی‌گاه نظام ارزش‌های انسانی، اعتقادات، امیدها و نگرانی‌هاست، شهر به همه ارزش‌های بشری ارج و اعتبار خاصی قائل است و اگر شهر توقف کند توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه، امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو بی‌انصافی است که اگر از شهر سخن به میان آید و تنها به ساخت فیزیکی شهر، ترافیک سنگین شهر و یا سودرسانی برق و تلفن شهری اندیشه شود. در حالی که هر آجر، هر ساختمان، هر خیابان و هر میدان شهر یادآور دردها، رنجها، شادی‌ها و امیدهای جماعات انسانی است. این سلسله مراتب اجتماعی که میان ساختمان‌های شهری دیده می‌شود بیانگر معماری ظلم و جور یا عدالت و انصاف سازمان‌های شهری است. اکولوژی اجتماعی شهرها که از آن به عنوان جغرافیای اجتماعی شهرها نیز نام می‌برند، این شیوه اجتماعی - اقتصادی شهرها را به تصویر می‌کشد و بر هویت اجتماعی شهرها تأکید دارد. اکولوژی اجتماعی شهرها به تعادل بخشی میان ساخت فیزیکی و ساخت اجتماعی شهر می‌اندیشد و بیگانگی با اکولوژی اجتماعی شهرها را در برنامه‌ریزی شهری، زیانبار می‌داند، چیزی که تاکنون سازمان‌های شهری کشورهای جهان سوم، بدان بی‌اعتنا بوده‌اند. بی‌جهت نیست که در اغلب محلات شهرهای جهان سوم، از شور، شوق و همه‌مهمه زندگی خبری نیست.

جغرافیای اجتماعی شهرها در تلاش است تا کمبودهای جامعه شهری، در رابطه با ساخت فیزیکی شهرها و ساخت فیزیکی شهرها، منطبق و سازگار با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرها سامان گیرد. به سخن ساده، اکولوژی اجتماعی شهرها، گذرگاه تازه‌ای می‌جوید تا همه شهروندان بتوانند در سراسر شهر به زندگی شایسته‌ای دست یابند.^{۳۴}

تعریف شکویی از جدایی‌گزینی اجتماعی (اکولوژیک) هنوز

«در قاره آسیا، شاید در همه کشورهای جهان سوم، یک شهر بسیار بزرگ، یک پایتخت و یا یک بندر بزرگ آن چنان امکانات اجتماعی و اقتصادی کشورها را در خود جای می‌دهد که همه شهرهای کوچک و بزرگ را از توسعه و پیشرفت باز می‌دارد. یعنی توسعه تنها یک شهر به قیمت ویرانی و عقب‌ماندگی همه کشور تمام می‌شود»

بزرگترین شهر، انگل یا توسعه دهنده:

«در قاره آسیا، شاید در همه کشورهای جهان سوم، یک شهر بسیار بزرگ، یک پایتخت و یا یک بندر بزرگ آن چنان امکانات اجتماعی و اقتصادی کشورها را در خود جای می‌دهد که همه شهرهای کوچک و بزرگ را از توسعه و پیشرفت باز می‌دارد. یعنی توسعه تنها یک شهر به قیمت ویرانی و عقب‌ماندگی همه کشور تمام می‌شود. در آسیا، بزرگترین شهر از نظر جمعیت، سطح امکانات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی به آن چنان وسعتی می‌رسد که سایر شهرهای درجه اول کشورها در مقایسه با آن کوچک و کم اهمیت جلوه می‌کند. نخستین شهر در کشورهای آسیایی از مشخصات زیر بهره‌مند است:

۱- سرمایه‌های یک کشور را می‌بلعد.
 ۲- مسیرهای بزرگ مهاجرتی را به سوی خود می‌کشد.
 ۳- نفوذ عمیق در الگوهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی کشور اعمال می‌کند.
 ۴- میزان مصرف در مقایسه با سایر شهرها، بسیار بالاست.

۵- هر نوع یادآوری و فرهنگ وارداتی از دروازه‌های آن وارد کشورها می‌شود.

۶- در توسعه و پیشرفت سایر شهرهای بزرگ تأثیرات منفی دارد و چه بسا که آنها را در حال توقف و رکود نگه می‌دارد.

۷- فرودگاه‌ش، هتل‌هایش، خیابان‌هایش و مغازه‌هایش نظیر معروف‌ترین و ثروتمندترین شهرهای جهان پیشرفته به نظر می‌رسد.

اغلب کشورهای آسیا، در نخستین مرحله توسعه، همه تلاش خود را به اداره و توسعه یک شهر به کار می‌گیرند و یا از نظر اداری و سیاسی همه امکانات را در یک شهر بسیار بزرگ جمع می‌کنند تا از عهده اداره سازمان‌های تولیدی و اداری برآیند. البته ممکن است که کشورهای پرجمعیت آسیا مثل چین و هند به جای یک شهر بزرگ دارای چند شهر پرجمعیت باشند اما باز برتری اقتصادی و فرهنگی یک شهر بر سایر شهرها سایه افکن می‌باشد.^{۳۳}

مقالات دکتر شکویی که برخی از آنها در کتب‌های فوق‌الذکر تاحدی مورد استفاده قرار گرفته و برخی نیز مستقل‌اند و در دوره

زندگی تبریز نوشته شده‌اند به ترتیب تاریخ انتشار به قرار زیرند:

● مقدمه بر جغرافیای شهری، در نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره سوم، سال نوزدهم، پاییز ۱۳۴۶، ص ۳۸۷ - ۳۹۶.

● تکامل جوامع شهری و شهرهای ۴۰ میلیونی، در نشریه انجمن دبیران جغرافیا و تاریخ و تعلیمات اجتماعی، شماره ۵، مهر ۱۳۴۷، ص ۸۸ - ۹۳.

● چهره و بافت شهرهای خاورمیانه، در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۲، شماره مسلسل ۹۳، بهار ۱۳۴۹، ص ۴۱ - ۲۱.

● سیر تکوینی جغرافیای شهری، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره‌های ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، سال ۱۳۵۰، ص ۲۵۳ - ۲۳۵.

● جغرافیای بزرگ بازارها، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۲۵، شماره ۱۰۷، پائیز ۱۳۵۲، ص ۳۴۷ - ۳۶۰.

● حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، مؤسسه مطالعاتی اجتماعی و علوم انسانی شماره ۱۷، سلسله شهرنشینی، شماره ۵، دانشگاه تبریز، ۱۳۵۵.

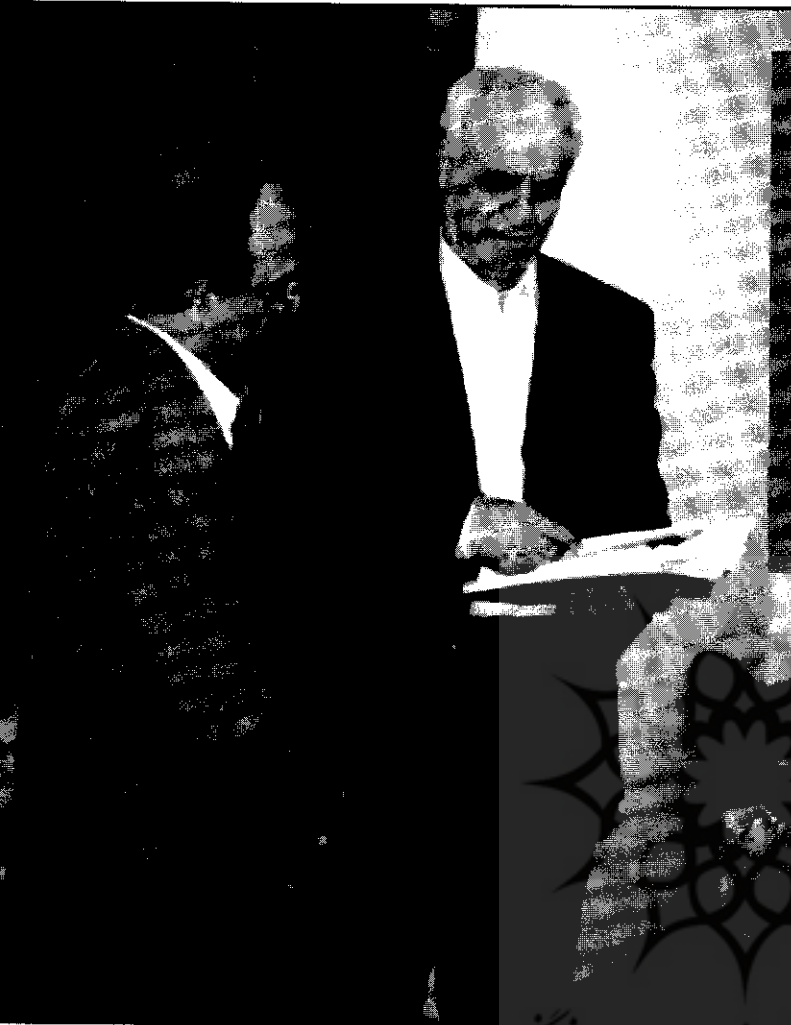
● مسئولیت‌ها و تنگناها در انتقال حاشیه‌نشینان تبریز، در: مجموعه سخنرانی‌های چهارمین کنگره جغرافی دانان ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۱۳۵۶، ص ۱۸۳ - ۱۷۵.

● خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، در: جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، دوره اول شماره ۲، بهار ۱۳۵۷، ص ۵۶ - ۵۰.

● آینده شهری و توسعه شهرها، در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱، سال ۲۲، بهار ۱۳۶۳، ص ۱۲۳ - ۹۹.

● مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان: تحلیل جمعیت چین، در سرشماری سال ۱۹۸۲ (۱)، ص ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۶۴) ص ۳۴ - ۳۳.

● مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان: افزایش



باتوجه به آثار ارزنده دکتر شکویی می توان او را اصیل ترین جغرافیدانانی دانشالوده جغرافیای شهری را در «اقامت در تبریز» پایه گذاشت بر این، او اولین جغرافیدان است که درباره مکتبها و دیدگاههای جغرافیای انسانی و نیز جغرافیای شهری بحث کرده و در مرحله «تهران» آنها را غنای خاص بی

- جمعیت مسلمانان شوروی.. س ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۶۴) ص ۳۴.
- ضرورت تغییر برنامه های جغرافیا در دانشگاهها (طرح پیشنهادی).. س ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۴) ص ۶۲-۶۰.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان .. س ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۴) ص ۷۲-۶۹.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان .. س ۱، ش ۳ (پاییز ۱۳۶۴) ص ۵۳-۲۳.
- جغرافیا در ژاپن (۱).. مترجم: حسین شکویی. س ۱، ش ۴ (زمستان ۱۳۶۴) ص ۱۰-۸.
- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان: آینده شهرها، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۴، سال اول، زمستان ۱۳۶۴، ص ۵۰-۸۴؛ این چکیده با استناد به مقاله زیر تهیه شده است:

R. Mansell Prothere (1985): Population: Urban Future, The geographical Magazine, September P.464

باتوجه به آثار ارزنده دکتر حسین شکویی می توان او را یکی از اصیل ترین جغرافیدانانی دانست که شالوده جغرافیای شهری را در مرحله «اقامت در تبریز» پایه گذاشت علاوه بر این، او اولین جغرافیدان شهری است که درباره مکتبها و دیدگاههای جغرافیای انسانی و نیز جغرافیای شهری بحث کرده و در «مرحله زندگی تهران آنها را غنای خاص بخشیده است.

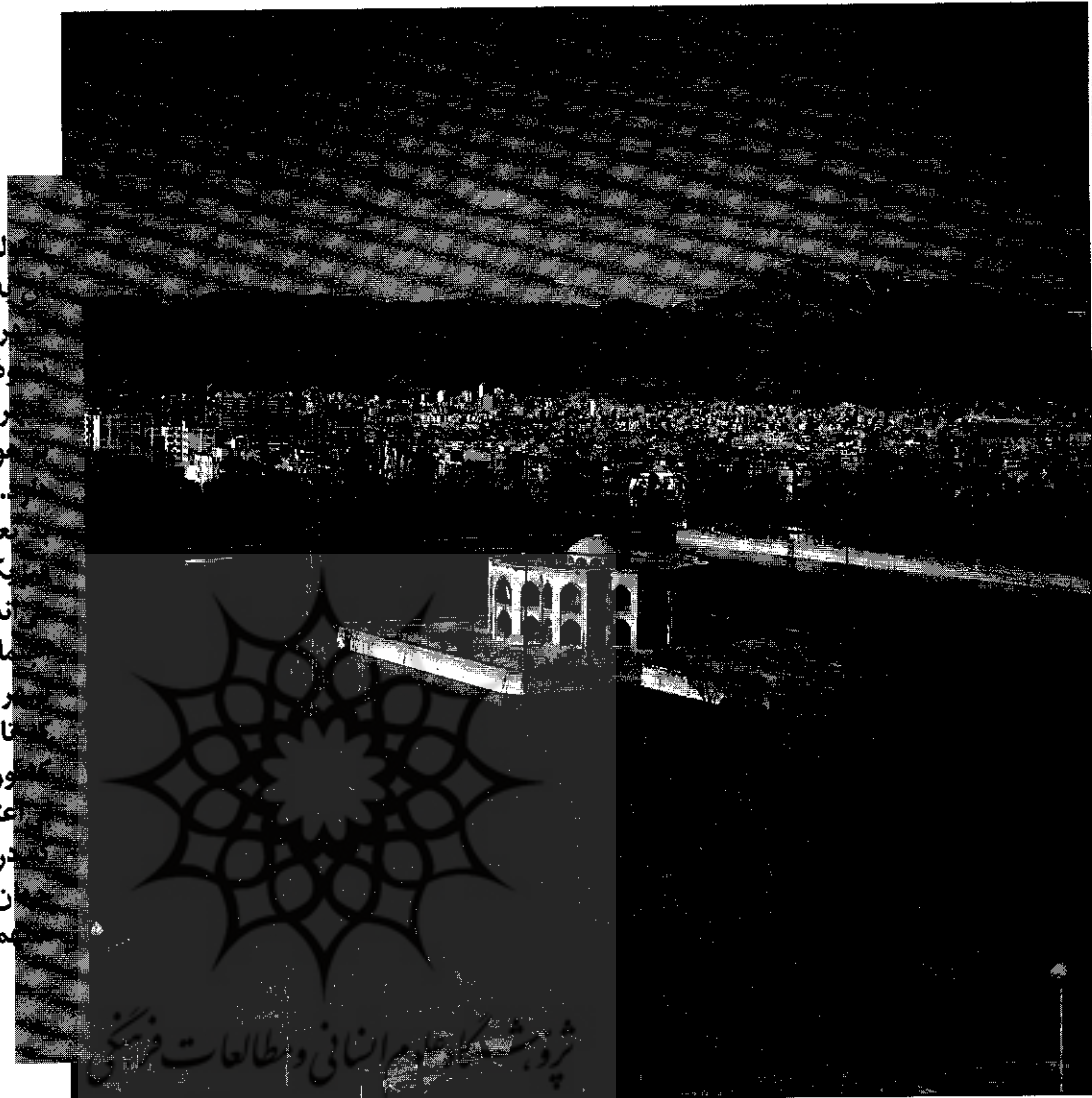
- شکویی در تهران (اسفند ۱۳۴۶ تا آبان ۱۳۴۸)

۱- کارهای اجرایی

با وجود چند سال جنگ تحمیلی بین عراق و ایران و صدمات سنگینی که از آن بر آبادانی کشور و حصول آرمانهای

انقلاب اسلامی و نیز دانشگاهی وارد آمد، و با وجود از دست دادن نیروهای عظیم علمی در نتیجه خروج اسفنانگیز آنها از کشور، قوای جوان، آگاه و متعهد دانشجویی با درک صحیح از مقاصد عالیه انقلاب در رهایی از وابستگی به خارج از کشور در زمینه جغرافیای شهری نیز اقدامات اساسی کرد و با نیروی درخور تحسین تشکل کیفی نوینی را در چهارچوب تأسیس دانشگاه تربیت مدرس برای جغرافیا پدید آورد که از جمله می توان به انتقال دکتر حسین شکویی (۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴) از گروه جغرافیای دانشگاه تبریز و سپردن مدیریت گروه جغرافیای کارشناسی ارشد و دکتری جغرافیای طبیعی و انسانی (شهری و روستایی) دانشگاه تربیت مدرس به ایشان اشاره کرد. اولین دسته های دانشجویان کارشناسی ارشد جغرافیا و دوره دکتری گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس از هیچ نوع همکاری صواب عملی و علمی در اعتلای دانش جغرافیا و جغرافیای شهری دریغ نوزیدند و از نیروهای اعضای هیأت علمی جغرافیای گذشته و حال به جای خود استفاده کردند. شاخه تخصصی دکتر حسین شکویی در زمینه مسایل شهری برای رونق و اعتبار این گروه

اکولوژی اجتماعی شهرها که از به عنوان جغرافیای اجتماعی شهرها نیز نام می‌برند، این حوزه اجتماعی - اقتصادی شهرها را به تصویر می‌کشد و هویت اجتماعی شهرها تأکید اکولوژی اجتماعی شهرها معادل بخشی میان ساختاریکی و ساخت اجتماعی شهرندیشد و بیگانگی با اکولوژی اجتماعی شهرها را در برنامه‌ریزی شهری، زیانبار می‌داند، چیزی تاکنون سازمان‌های شهری و ورهای جهان سوم، بدان اعتنا بوده‌اند. بی‌جهت نیست در اغلب محلات شهرهای ان سوم، از شور، شوق و همه زندگی خبری نیست



دانشگاه تبریز با پیشنهاد آن گروه و کسب موافقت وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت و برقراری آن در دانشگاه تبریز تأثیر باور نکردنی بر جهت‌گیری جغرافیای شهری کاربردی کشور پیدا کرد. این امر چرخگاه جغرافیای شهری به سمت کاربرد به شمار می‌رود. شکویی بعد از ورود به تهران به این کمیته پیوست.

۳ - مدیریت

کمیته برنامه‌ریزی جغرافیای وزارت فرهنگ و آموزش عالی: شکویی در این کمیته با تجدید نظر در برنامه‌های موجود جغرافیا، تصویب برنامه کارشناسی‌های ارتش جغرافیای انسانی با گرایش شهر و روستا و مطالعات ناحیه‌ای، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و دوره دکتری جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری و جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی به تقویت جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی کمک بسزایی کرد.

سرمایه عظیم علمی در برداشت، دانشجویان دوره فوق لیسانس جغرافیای شهری گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس به ویژه زیر نظر دکتر شکویی ابتدا با تحصیلاتی که پشتوانه دیدگاهی علمی قوی داشت در تدوین رساله‌های ارجمند نظری و مورد شناسی - که در مراحل پیشتر بی‌سابقه بود - کوشیدند و با شوق خاص به جمع همکاران دانشگاهی پیوستند و مایه اعتبار و پیشرفت جغرافیای شهری شدند. بیشتر پایان نامه‌های دکتری به راهنمایی دکتر شکویی بود.

۲ - عضویت در کمیته جغرافیای ستاد انقلاب فرهنگی: تشکیل کمیته جغرافیای ستاد انقلاب فرهنگی و به خصوص تأثیر کمیته برنامه‌ریزی جغرافیای شورایی عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۶۳ بر جغرافیای کشور و نیز جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری عمیق است. تصویب برنامه رشته تحصیلی «جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری» گروه جغرافیای

جمعیت شهرهای بزرگ به سرعت زیاد می شود و با توسعه غیرمنطقی شهرها، آلوده‌سازهای جدیدی وارد جامعه شهری می گردد. میزان مرگ و میر بالا می رود، مرگ زودرس، برونشیت مزمن، آسم، سردرد دایمی، فشار عصبی - روانی، سرطان شش و ضعف شنوایی به شدت مردم این قبیل شهرها را گرفتار می سازد

۴ - عضویت در هیأت تحریریه و سردبیری مجله رشد آموزش

جغرافیا

انتشار مرتب مجله وزین «رشد آموزش جغرافیا» نشریه گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش با اهداف یازده گانه مهم آن به سردبیری دکتر حسین شکویی مزین بود. اثر خط دهنده دیدگاهی و خصلت هدایتگری و جهت بخشی سرمقاله های روش شناختی و مقاله های دکتر حسین شکویی در رشد آموزش جغرافیا بسیار مؤثر بوده است.

۵ - عضویت و مدیریت در کمیته جغرافیای سمت:

تأسیس سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) و تأثیر کمیته جغرافیای «سمت» با عضویت و سپس سرپرستی دکتر حسین شکویی در انتشار کتب جغرافیایی و نیز جغرافیای شهری از شاهکارهای دوران انقلاب اسلامی ایران است.

۶ - عضویت پیوسته در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی

ایران:

شکویی در فرهنگستان منشأ اثرات مفیدی بودند. تألیف کتاب پایگاه علم جغرافیای شهری در ایران در گروه علوم انسانی شاخه جغرافیا توسط نگارنده در سال (۱۳۷۷) تنها و تنها به خاطر دکتر شکویی بود. ثواب این کار مشترک بین ایشان و من است. سایر تألیفات که تاکنون انتشار نیافته و به صورت دست نوشته باقی مانده اند عبارتند از: پایگاه جغرافیای طبیعی توسط استاد دکتر فرج الله محمودی، پایگاه جغرافیای سیاسی در ایران تألیف توسط سرکار خانم دکتر دره میر حیدر تألیف پایگاه جغرافیای روستایی در ایران تألیف دکتر رکن الدین افتخاری، که امید دارم روزی اینها انتشار یابند تا پیشنهادات دکتر شکویی ناتمام نماند. به هر حال هر جا چیزی که با سرنوشت جغرافیا سروکار داشت شکویی هم در آن اثرگذار بود. و من مقتخرم در همه مراحل یار و یاور او و همراه او بوده ام.

کارهای علمی - پژوهشی دوره اقامت تهران:

شکویی از چند جهت به طور مستقیم به جغرافیا خدمات ارزنده کرده است. او به طور غیرمستقیم به تشویق همکاران و شاگردانش در انجام پژوهش ها و تألیفات پرداخت. اما مهمترین کارهای علمی او در دو زمینه بود:

- ۱- راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری.
- ۲- تألیفات مستقل اعم از مقاله و کتاب. پایان نامه هایی که به راهنمایی او هدایت شده اند در طیف وسیعی از موضوعات جغرافیای شهری ایران اند. برجستگی این پایان نامه ها در وجه تئوریک و بررسی های میدانی آنهاست. اکثر دانشجویانی که با شکویی پایان نامه گذرانده اند اکنون از اعضای برجسته هیأت علمی گروه های جغرافیایی اند. امیدوارم حداقل روزی و روزگاری خلاصه ای از این پایان نامه ها به چاپ برسد یا به صورت مقاله چاپ و انتشار یابند، تا نقش آنها در بازکردن افق های نو در جغرافیای نظریه ای و شهری روشن گردد. هر چند برخی از آنان به صورت کتاب یا مقاله چاپ شده اند.

در اینجا قسمتی از مقاله های استاد حسین شکویی را در زمینه «بحث های شهری» در دوره اقامت تهران او در زیر می آورم:

- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان: بزرگترین بخش زاغه نشین جهان، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲، سال ۲، بهار ۱۳۶۵، ص ۵۶.

این بحث از زاغه نشینی در شهر ۸ میلیون بمبئی، که چهار میلیون آن در زاغه های شهر زندگی می کنند، چکیده مقاله زیر است:

Anne Charnock (1985): Slum Dwellers Unite; The geographical Magazine, Oktober, PP. 560-563.

- مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان: شهرنشینی و شیوه زندگی در شوروی، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۲، سال ۳، زمستان ۱۳۶۶، ص ۵۵۶.

این چکیده از مقاله زیر است:

Onley Yanitsky (1986): Urbanization in the USSR, Urban praxis.

● مقالات جغرافیایی از مجلات جغرافیایی جهان: بررسی جغرافیایی یک هسته چند نقشی در شهر توکیو، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۴، سال سوم، تابستان ۱۳۶۷، ص ۵۸-۵۹.
این چکیده از مقاله زیر است:

Roman Cybriwsky (1988): shibuya Center, Tokyo; the Geographical Review, Vol. 78, No. 1.

● بررسی نظریه‌های مربوط به پیدایش نخستین شهرها، در: رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۶، سال ۴، زمستان ۱۳۶۷، ص ۲۶-۲۴.

● تحلیل اکولوژیک و فلسفه جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۳، سال ششم، پاییز ۱۳۶۹، ص ۴-۶.

● تحلیلی بر انتقال مرکز اداری - سیاسی کشور (تهران)، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی، ایران، جلد اول، به کوشش سید رحیم مشیری - رحمت الله فرهودی، مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۹۹-۲۰۷.

● جلوه‌های امید در علم جغرافیا.. س ۷، ش ۶۲ (تابستان ۱۳۷۰) ص ۳.

● پاسخی به همراه تشکر به استاد دکتر گنجی، س ۸، ش ۳۲ زمستان ۱۳۷۱، ص ۱۴-۱۵.

● مکتب‌ها و اندیشه‌های جغرافیایی، در تعریف جغرافیا، س ۹، ش ۳۴، تابستان ۱۳۷۳، ص ۳.

● یعقوب زنگنه تحلیل تحولات بازار نیروی کار شهرهای میانی کشور در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۳۵، فصل تحقیقات جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۱، شماره مسلسل ۶۸ بهار ۱۳۸۲: ۱۰-۲۳.

در زمینه تألیفات، بزرگترین دستاورد شکویی در زمینه «روش‌شناسی» و «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا» است، زیرا در همه آثار او، که طیف وسیعی از جغرافیای اجتماعی و شهری را دربرمی‌گیرد، دیدگاه‌های نو جایگاه ویژه‌ای دارند.

اصولاً شرط ضروری رسیدن به هدف استراتژیک جغرافیا شناخت مضمون پدیده جغرافیایی پیش‌گیری و کاربرد آن با پیروی از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و منطق سزاوار جغرافیاست. درباره قدر و قیمت و اهمیت روش‌شناسی علوم و همچنین لزوم «اتخاذ روش صحیح راه بردن عقل در وصول به دانش و وسیله حتمی کسب علم و پژوهش‌های علمی» کافی است به بیان دکارت اشاره کنیم که فرمود: «ذهن نیکو داشتن، کافی نیست بلکه عمده مطلب آن است که ذهن را درست به کار برند... بهتر آن است که بدون روش، کسی اصلاً فکر جست‌وجوی حقیقتی نکند؛ زیرا محقق است که تحقیقات و مطالعات بدون نظم و درهم و برهم، نور طبیعی را مختل و ذهن را کور می‌سازد و کسی که خود را معتاد کند که اینگونه در ظلمت راه رود، هر آینه به اندازه‌ای بینایی خود را ضعیف کند که دیگر تاب

مقاومت روشنای روز را نیاورد»^{۲۵}.

اول بدیده روشنی آموز

زان پس پیوی این ره ظلما را

دیدار تیره روزی نایننا

عبرت بس است مردم بینا را

(پروین اعتصامی)

روش‌شناسی (= متدلوژی) نیز همانند سایر علوم، هسته و اساس علوم جغرافیایی است، که به موازات تکامل فلسفه، علم و اندیشه‌های علمی و نظری، به ویژه در سده‌های اخیر پیشرفت نمایان داشته است. روش‌شناسی به طور کلی «علمی است دستوری زیرا برای فکر قواعدی مقرر می‌دارد، و تعیین می‌کند که انسان چگونه باید حقایق را در علوم جست‌وجو کند و مقصود از روش «متد» مجموعه وسایل و راه و روش‌هایی است که وصول به غایت، حقیقت و هدفی را ممکن و آسان سازد و غرض از روش علمی مجموعه اسلوب‌ها و طرقی است که رسیدن به حقیقت را سهل و میسر کند»^{۲۶} و مجموعه‌ای از اصولی را دربرمی‌گیرد که تنظیم‌کننده اقدامات آگاهانه و هدفمند علمی است و جغرافیدان با پیروی از آنها و تجارب و نظریه‌هایی که در جریان رشد جغرافیا پدید آمده و در تبیین واقعیت‌های جغرافیایی مورد آزمون قرار گرفته‌اند، به شناخت دقیق و قابل وثوق درباره ماهیت پدیده‌ها و موضوعات جغرافیایی، یعنی «سیستم‌های فضایی»، می‌رسد. به عبارت دیگر «روش علمی شایان بررسی اموری است که انسان را به کشف قانون‌های کلی حاکم بر دیگر امور نوع مورد بررسی، توانا می‌سازد. این هر دو مرحله، یعنی مرحله مشاهده و مرحله استنباط قانون جنبه اساسی دارند...^{۲۷} برای دست یافتن به یک قانون علمی، سه مرحله اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱- مشاهده فاکت‌های (امور) معنی‌دار. فاکتی (= امری) از لحاظ علمی معنی‌دار است، که به استقرار یافتن یک قانون کلی یاری می‌دهد و یا ابطال یک قانون کلی را سبب می‌شود.

۲- پرداختن فرضیه‌ای که در صورت صحت، برای توجیه این فاکت‌ها بسنده خواهد بود، و

۳- استنتاج نتایجی از این فرضیه، که از طریق مشاهده قابل آزمون باشند. اگر این نتایج به تحقق ببینند، فرضیه موقتاً تأیید می‌شود ولو این که برائرت اکتشافات بعدی، دستخوش تغییر گردد»^{۲۸}.

بدین ترتیب از جمله عناصری که در روش علمی جغرافیایی اهمیت سرشار دارند و به ویژه در روند علمی سده‌های اخیر پایه گسترش و ژرفش در جغرافیا را هم فراهم آورده‌اند فرضیه (Hypothesis) و نظریه (Theory) می‌باشند. شکویی در این راه، به ویژه در بیان دیدگاه‌ها و مکتب‌های جغرافیایی از دو راه تأثیر عمیق از خود بر جای نهاد: یکی از راه انتشار مقاله‌ها و



کتاب بر مختصات حلقه‌های علمی جریان‌ها و سطوحی فکری اندیشه‌ورزان جغرافیای گذشته و تازه سده اخیر جهان علم و سیر مشخص دیدگاه‌ها و شیوه‌های اندیشه‌های جغرافیا به طرز بدیعی به اجمال نظر می‌افکند، به نرمی «بند قبای غنچه» اندیشه‌ها را می‌گشاید و جای سزاوار آنها را در پژوهش و تفسیر چشم‌انداز جغرافیایی بیان می‌کند. اصولاً وقتی نوشته‌ای از شکویی می‌خوانی گنجینه علمی و معنوی او، خواننده را مستغرق می‌کند، اگر چه او بسیار سفر نکرده است. اما دریا دریا تجربه‌های جغرافیایی جغرافیدانان پر سفر را آزموده است به طوریکه دو جلد کتاب او درباره اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ۱۳۷۵، ۱۳۸۲ چون چشمه زلال گوارای تشنگان است. تشنگی می‌خواهد و سیراب شدن، چون دریاها گرم جایگاه در شهسوار است. تنها غواص می‌خواهد و درجویی، صدف شکنی و «عقدتربا» سازی، گلستانی است که تنها دیده، دل و دست می‌خواهد و دامن دامن گل محمدی چینی و گلابگیری و تنها همت می‌خواهد و پیروی راه و حصول به سرمنزله مقصود جغرافیایی.

او بی‌تردید جزو نوآورترین مردان جغرافیای معاصر کشور ما بود. بررسی اثرگذاری او بر روند جغرافیای کشور سینه و صفحه فراختری می‌خواهد. حرکت شکویی در تلاش او برای آشنایی، ردیابی و دستیابی به بنیاد و حاصل اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها

کتاب‌ها و دیگر از طریق راهنمایی پایان نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های کارشناسی ارشد و دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در گروه‌های جغرافیایی کشور. کتاب‌های او در دو زمینه جغرافیای اجتماعی و شهری و اندیشه‌های نو در جغرافیا به این دیدگاه‌ها نظر می‌کند. در این مقالات و کتاب‌ها هویت علمی شکویی پیدا است.

شخصیت شکویی زیر سخن او نهان است و قلم او هم از جهت صوری و هم از نظر معنوی بیانگر حساسیت بسیار او و مسئولیت شدیدی است که او در قبال سرنوشت رشد جغرافیا، دانشجویان جغرافیا، دانش‌آموختگان جغرافیا و کاربرد جغرافیا در آموزش و اجرا داشت. مسئولیت جغرافیا، مسئولیت جغرافیدانان در طرح مباحث جغرافیای بنیادی و جغرافیای کاربردی مسئله‌گرا در نوشته‌ها و درس او موج می‌زند و همواره، به‌طور سرشتی موضوعاتی را مورد هدف قرار می‌دهد که راه نظر و اندیشه را با باریک‌بینی در درس، بحث و تفحص جغرافیایی می‌گشاید. هر سری که آشنا و محرم دل و قلم او شود به کنه عاطفه رقیق و اندیشه بدیع او پی خواهد برد.

شکویی در کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ۱۳۷۳^۳ و دو جلد کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ۱۳۷۵^۴ و ۱۳۸۲^۴ نوین‌ترین و مهم‌ترین دیدگاه‌ها را بیان می‌دارد. او در هر سه

است. همه ما هنوز هم در درون سنگین مرگ شکویی، در ساری مردن و دشواری تاریخ و قرار داریم و دانسته‌ایم علی‌المصیبتی که بر جامعه جغرافیای کشور گذشته است. زرفتر از آن است که فکر کنیم، اما نباید این رنج و از دست دادن پرده‌ای بر غفلت ما از بررسی توانمندی‌های مضامین بلند نگشایی از گره‌های بسته در اندیشه‌های نو فلسفه جغرافیا و گسترش از تعقیدات برخاسته از نویسی و ریختن جملات بلند و جمله‌ای کوتاه به هنگام استفاده از متون اصلی آثار او



منطق جغرافیای شهری را در زمان ما «منطق معرفت به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژی نظام حاکم»^{۳۲} می‌داند و معتقد است «در هر تحلیل جغرافیای شهری، به ویژه در زمینه کارکرد مثبت و منفی نیروهای اجتماعی، که شهر نمودی از آنها به شمار می‌آید، باید از آرا و اندیشه‌های علمای جغرافیا، فلسفه سیاسی، اقتصاد توسعه و جامعه‌شناسی بهره‌مند شویم و میان رشته‌ای بودن جغرافیای شهری را مورد تأکید قرار دهیم؛ این امر در صورتی حاصل می‌شود که در تحلیل مباحث جغرافیای شهری نظریه‌های اجتماعی، «اقتصادی سیاسی» و «امر توسعه» را محور اصلی به شمار آوریم. شاید تنها از این طریق است که می‌توان به اندیشه‌های کلیدی در جغرافیا دست یافت و علم جغرافیا را زنده و پویا ساخت».^{۳۳}

دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری ۱۲ فصل مکمل هم دارد، که پیروی از مضمون محتوای جدید آنها، عمق بیشتری به آموزش، مطالعات و پژوهشهای جغرافیایی ایران و کاربرد آنها خواهد داد.

سراغاز جلد اول اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا^{۳۵} نشانه لطیف‌ترین احساس بشری است: «با یاد مادرم که اولین درس انسان دوستی را او به من آموخت و با رفتش، شور و شوق زندگی‌ام را با خود برد» (ص ۳). در این کتاب آخرین تحولات

و نظریه‌های حوزه‌های برونزای جغرافیایی به قصد نوسازی، تحرک، پویا کردن و بارورتر ساختن هویت جغرافیای خودی و تعمیق تجدد در حوزه جغرافیایی درونزا و کاربرد آن در برنامه‌ریزی جامع و متناسب کشور برای خدمتگزاری به مردم خلاصه می‌شود. در این انتقال، ایشان دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی را برمی‌گزینند که ضمناً بتوانند مسایل جغرافیایی جهان سوم و کشور ما را توضیح بدهند: «در تألیف کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری همه تحولات علم جغرافیا تا اوایل سال ۱۹۹۳ به کار گرفته شده است و ۹۰ درصد مطالب آن برای اولین بار منتشر می‌گردد تا شاید بتواند مسیر تازه‌ای در تألیفات و تحقیقات جغرافیایی به ویژه جغرافیای شهری بگشاید و خبر از امید و نیرویی دهد که در آینده علم جغرافیا در کشور ما تأثیرگذار خواهد بود. از این رو در تألیف آن سعی شده است که بیشتر نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی با توجه به ساخت‌های شهری مطرح شود؛ البته طرح این نظریه‌ها دلیل به پذیرش همه آنها نیست هدف این است که همه نظریه‌ها و اندیشه‌ها مورد بحث و تحلیل قرار گیرد، با وجود این، در اغلب موارد تطبیق این نظریه‌های اجتماعی - اقتصادی، با شرایط حاکم بر جهان سوم کوشش شده است تا جغرافیای شهری کشورهای جنوب - نه کشورهای اروپایی و امریکایی - تألیف گردد»^{۳۴}

- فصل چهارم: ایدئولوژی و آمار شهرهای اکولوژیک.
- فصل پنجم: مکتب جغرافیای رفتار فضایی.
- فصل ششم: مکتب جغرافیای ساختاری.
- فصل هفتم: مکتب جغرافیای رادیکال.
- فصل هشتم: مکتب جغرافیای فرهنگی نو.
- فصل نهم: مکتب جغرافیای اکولوژیک.
- فصل دهم: مکتب جغرافیای آنارشیستی.
- فصل یازدهم: مکتب جغرافیای اقتصادی.
- فصل دوازدهم: جغرافیا و برنامه‌ریزی.
- فصل سیزدهم: عمر جغرافیای نو و پیشنهاد یک تعریف.

مباحث فصول فوق به قدری فشرده و چکیده‌وار و ژرف و رهنماگونه تدوین شده‌اند که هر فصلی را باید در کتابی گسترانید. راز تألیف اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا در برداشت شکویی از وضعیت جغرافیا در ایران، در پیشگفتار جلد دوم نهفته است: «به نظر من اگر ما در ایران نتوانسته‌ایم به بنیان استوار در اندیشه‌های جغرافیایی دست یابیم. این واپس ماندگی را باید در عدم توجه به اندیشه‌های فلسفی جست‌وجو کرد. متأسفانه در کشور ما هنوز هم حوزه نظری جغرافیا به شدت در غفلت و بی‌ثمری به سر می‌برد. سطحی بودن پاره‌ای از آثار جغرافیا، حاصل این غفلت و تفکر بی‌سامان است. ما در آغاز راهی دراز در علم جغرافیا هستیم اما حرکت‌مان کند و بطئی است، پس لازم بود فلسفه‌های سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه‌های اجتماعی که امروزه عوامل شناخت جغرافیای نواز جغرافیای سنتی است در این کتاب بیاید و به همراه مکتب‌های جغرافیایی با استدلال‌های روشن، آکنده از اندیشه‌های فلسفی، در جست‌وجوی شأن متعالی انسان در محیط زندگی باشد و از این طریق حجاب ناآگاهی و توصیفی بودن تحلیل‌های جغرافیایی کنار زده شود... با تجربهٔ چهل ساله‌ام در جغرافیا به این نتیجه رسیده‌ام که اگر با همه اندیشه‌ها و مکتب‌های جغرافیایی آشنا نشویم در مطالعات جغرافیایی در باتلاق سطحی اندیشی فرو می‌رویم. این اثر بر پایهٔ مفاهیم جغرافیایی نو، یعنی تحلیل ساختارها، نهادها، عاملین فرآیندها، هندسهٔ متغیر قدرت، مکان، زمان، نظریه‌های انتقادی و مطالعات فرهنگی تهیه شده است. روشن است که در جغرافیا، همهٔ این مفاهیم در بستر محیطی - طبیعی عمل می‌کنند.^{۴۹}

بر این پایه است که شکویی تعریفی نو از جغرافیا، با تفسیر آن، برای ما به یادگار گذاشته است «دانش جغرافیا، روابط متقابل میان انسان و محیط و یا انسان و مکان را با میانجیگری فرایندهای نهادی و ساختاری مطالعه می‌کند».^{۵۱}

در عین حال که همه فصول جلد دوم اندیشه‌های نو در جغرافیا

فلسفهٔ جغرافیا و فراز و فرود همهٔ دیدگاه‌های جغرافیایی، بدون یکسونگری و با صداقت تام، را تا سال ۱۳۷۵ نشان داده است.^{۴۶} ما را در متن «عصر طلایی اندیشه در جغرافیای زمان ما»^{۴۷} قرار می‌دهد: «تحلیل پدیده‌های جغرافیایی، نظریه‌های اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژی نظام حاکم، به شدت به کار گرفته می‌شود. امروزه در منطق جغرافیایی، عوامل فوق جایگاه استواری یافته است. اعتقاد عمیق من این است که ناتوانی و ضعف منطق جغرافیایی در پاسخگویی به شرایط ویرانگر فضاهای جغرافیایی، حاصل عدم توجه به این قبیل مفاهیم بوده است.»^{۴۸} و لذا «جغرافیدان جهان سومی، باید با تکیه بر مفاهیم کلیدی نظیر: تأثیرات ایدئولوژی نظام حاکم، موضوع قدرت، تحلیل تصمیم‌گیری‌های سیاسی، امر بازساخت، اقتصاد کلان، عدالت اجتماعی، عامل زمان، ژئوپلیتیک سرمایه، اقتصاد سیاسی و ساختار جامعه به تحلیل فضای جغرافیایی بپردازد. زیرا همسویی با این مفاهیم، ما را با تشابهات و تضادهای نواحی جغرافیایی، عمیقاً آشنا می‌سازد و هر فضای جغرافیایی را به صورت نمادی از عملکردهای نظام‌های سیاسی و اقتصادی به نمایش می‌گذارد. به سخن روشن، شکل‌دهی فضاها و سیر تکوینی پدیده‌های جغرافیایی، همواره از اندیشه‌های سیاسی - اقتصادی تأثیر می‌پذیرند. از این رو، شرایط زمان ما حکم می‌کند که هر جغرافیدان جهان سومی، در آثار و تحقیقات جغرافیایی خود، ابتدا باید روی مفاهیم زیر بیندیشد:

«چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ جهت کدام ملت؟...»^{۴۹}

جلد اول اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا در هشت فصل نواندرنو تدوین یافته است:

- فصل اول: فلسفه، پارادایم و جغرافیا.
 - فصل دوم: عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی.
 - فصل سوم: مفاهیم نور در جغرافیای نو.
 - فصل چهارم: تحلیلی بر تعاریف جغرافیا.
 - فصل پنجم: بازساخت جغرافیایی، مفهوم کلیدی در تحلیل‌های جغرافیایی.
 - فصل ششم: جبر محیطی، امپریالیسم و امکان‌گرایی.
 - فصل هفتم: مکان و فضا.
 - فصل هشتم: جغرافیای ناحیه‌ای نو.
- جلد دوم کتاب ماندگار اندیشه‌های نو در جغرافیا: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، با یک پیشگفتار درسزده فصل تدوین و به سیر محتوایی «تاریخی» طیف پهناوری از نظریه دیدگاه‌ها در این باب می‌پردازد:
- فصل اول: فلسفه‌های محیطی و جغرافیا.
 - فصل دوم: فلسفه‌های سیاسی، ایدئولوژی و محیط جغرافیایی.
 - فصل سوم: جغرافیا، داروینیسیم و لاماریسم.

سزاوار تحسین است، اما با توجه به علایق خود دکتر، فصول هفتم (مکتب جغرافیای رادیکال) و هشتم (مکتب‌های جغرافیای فرهنگی نو) و فصل سیزدهم (عصر جغرافیای نو و پیشنهاد یک تعریف) را بیشتر می‌پسندید.

من در سرمقاله «رشد جغرافیا»، تحت عنوان، «رشد اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها در جغرافیا»، به مناسبت انتشار کتاب دیدگاه‌های نو نوشته‌ام: «تنها دقت در فهم و عزم در کاربرد آنها توسط پژوهشگران و آموزندگان جغرافیا رنج استاد را بر او گوارا و هموار خواهد کرد. در پشت سر چنین دستاوردهای شیرین علمی چیزی جز زحمت خدای تعالی، دعای مادر و کوشش شکویی در پرتو آنها نهفته نیست!»^{۵۳} آثار شکویی همچون جریانی زلال، کشتزارهای جغرافیا را حالا حالاها آبیاری خواهد کرد.

با مروری بر پایان نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری که زیر نظر او در زمان حیات پربرتک او تدوین شده است می‌بینیم که شاگردان مستقیم و غیرمستقیم او آنچه را در محضر او یا از کتب و مقالات او آموخته‌اند و می‌آموزند، انصافاً رنج استاد را براو گوارا کرده‌اند و تا جغرافیا هست و شاگردان او هستند نسل اندر نسل یاد و شأن شکویی بر تارک جغرافیای این کشور خواهد درخشید و باران رحمت خداوندی با دعای کاربران آثار او بر او خواهد یارید.

اما همه ما هنوز هم در درون فضای سنگین مرگ شکویی، دشواری مردن و دشواری فراغ او قرار داریم و دانسته‌ایم عمق مصیبتی که بر جامعه جغرافیای کشور گذشته است. بسی ژرفتر از آن است که فکر می‌کنیم، اما نباید این رنج و دریغ از دست دادن پرده‌ای شود بر غفلت ما از بررسی توانمندی‌های مضامین بلند او، رمزگشایی از گره‌های فرو بسته در اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا و گسترش برخی از تعقیدات برخاسته از فشرده‌نویسی و ریختن جملات بلند در جمله‌ای کوتاه به هنگام استفاده از متون اصلی آثار او. بر شاگردان اوست تا با مراجعه به متون اصلی مورد استفاده شکویی هم مطالب را باز کنند و هم با مورد شناسی‌های جغرافیایی کاربرد اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نو را تجربه و نقد کنند و راه راست آیین علمی را ادامه دهند.

«سعدیا بی وجود صحبت یار

همه عالم به هیچ شمارم»

پی‌نوشت:

۱ - شایان، سیاوش: چهره ماندگار جغرافیا؛ استاد شکویی درگذشت، رشد آموزش جغرافیا، دوره بیستم، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۴.

۲- مصاحبه با دکتر حسین شکویی، گستر، تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۸.

۳- همانجا، ص ۳۳.

۴ - مصاحبه با دکتر حسین شکویی چهره ماندگار علم جغرافیا (به یاد استاد)، گستر، فصل‌نامه علمی - تخصصی دانشجویان جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۴: ۲۸-۳۴.

۵ - در این باره نگاه کنید به: هاگت، پیتر: جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه دکتر شاپور گودرزی نژاد، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۵۰۵ - ۵۳۴.

6- Sauschkin, Julian, Glebowitsch (1978): Studien zu Geschichte und Methodologie der geographischen Wissenschaft, Geographisch - Karthographische Anstalt Gotha / Leipzig S. 15, 260.

۷ - شکویی، حسین: مقدمه بر جغرافیای شهری، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره سوم، سال نوزدهم، پائیز ۱۳۴۶، ص ۳۸۷ - ۳۹۶.

۸ - شکویی، حسین: تکامل جوامع شهری و شهرهای ۴۰ میلیونی: در: نشریه انجمن دبیران جغرافیا و تاریخ و تعلیمات اجتماعی، شماره ۵، مهر ۱۳۴۷، ص ۹۳-۸۸.

۹ - شکویی، حسین: جغرافیای شهری، بخش نخست، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، انتشارات شماره ۶ سلسله شهرشناسی، شماره ۱، دانشگاه تبریز، ۱۳۴۸.

۱۰ - شکویی، حسین: چهره و بافت شهرهای خاورمیانه: در: نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۲، شماره مسلسل ۹۳، بهار ۱۳۴۹، ص ۴۱ - ۲۱.

۱۱ - شکویی، حسین: سیر تکوینی جغرافیای شهری، در: نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره‌های ۹۷، ۹۸، ۹۹-۱۰۰، سال ۱۳۵۰، ص ۲۵۳-۲۳۵.

۱۲ - شکویی، حسین: جغرافیای بزرگ بازارها، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۲۵، شماره ۱۰۷، پائیز ۱۳۵۲، ص ۳۴۷ - ۳۶۰.

۱۳- شکویی حسین: شهرکهای جدید، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، شماره ۱۴، سلسله انتشارات شهرشناسی، شماره ۴، دانشگاه آذر آبادگان، شماره ۱۲۸، ۱۳۵۳.

۱۴- شکویی، حسین: جغرافیای شهری، بخش دوم، کتابفروشی تهران، تبریز ۱۳۵۴.

۱۵ - شکویی، حسین: حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مؤسسه مطالعاتی اجتماعی و علوم انسانی شماره ۱۷، سلسله شهرنشینی، شماره ۵، دانشگاه تبریز، ۱۳۵۵.

- ۳۳- همانجا، صص ۳۰-۲۹.
 ۳۴- همانجا، ص ۱۷۷.
 ۳۵- شاله، فیلیسین: شناخت روش‌های علوم یا فلسفه علمی، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، شرکت چاپخانه تابان، ۱۳۲۳، بخش اول: ۲۹.
 ۳۶- همانجا: ۱، ۲۹.
 ۳۷- راسل، برتراند، جهان‌بینی علمی، ترجمه سیدحسین منصور، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۰: ۳۵.
 ۳۸- همانجا: ۶۹.
 ۳۹- شکویی حسین: دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت). تهران ۱۳۷۳.
 ۴۰- شکویی حسین: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۵.
 ۴۱- شکویی، حسین: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی کتابشناسی، ۱۳۸۲.
 ۴۲- دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ۱۳۷۳: ۳.
 ۴۳- همانجا: ۲ و ۳.
 ۴۴- همانجا ص ۲.
 ۴۵- حسین شکویی: اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران ۱۳۷۵.
 ۴۶- همانجا ص ۱۰.
 ۴۷- همانجا، ص ۲۰۷.
 ۴۸- همانجا ص ۲۰۷.
 ۴۹- همانجا، ص ۹ و ۱۰.
 ۵۰- همانجا، صص ۹ و ۱۰ و ۱۱.
 ۵۱- همانجا، ص ۲۸۷.
 ۵۲- مؤمنی، مصطفی، رشد اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها در جغرافیا، رشد آموزش جغرافیا، سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۷۵، ص ۲۶-۲۵.

- ۱۶- شکویی، حسین: مسئولیت‌ها و تنگناها در انتقال حاشیه‌نشینان تبریز، در: مجموعه سخنرانی‌های چهارمین کنگره جغرافی‌دانان ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۱۳۵۶، ص ۱۸۳-۱۷۵.
 ۱۷- شکویی، حسین: خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، در: جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، دوره اول شماره ۲، بهار ۱۳۵۷، ص ۵۶-۵۰.
 ۱۸- شکویی، حسین: محیط زیست شهری: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، شماره ۱۹، سلسله شهرشناسی، شماره ۶ دانشگاه تبریز، شماره ۲۴۹، تبریز، ۱۳۵۸.
 ۱۹- شکویی، حسین: جغرافیای شهری، بخش نخست ۱۳۴۸، ص پنج و شش از مقدمه دکتر موچهر مرتضوی.
 ۲۰- شکویی، حسین: جغرافیای شهری، بخش نخست ۱۳۴۸، ص هفت تا ده.

21- Griffith Taylor

- ۲۲- شکویی حسین، سیر تکوینی جغرافیای شهری، ۱۳۵۰، ص ۲۴۶-۲۴۷.
 ۲۳- شکویی حسین، سیر تکوینی جغرافیای شهری، ص ۲۵۲-۱۵۲.
 ۲۴- شکویی حسین، شهرکهای جدید، دانشگاه آذر آبادگان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، انتشارات دانشگاه، شماره ۱۲۸، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، شماره ۱۴، سلسله شهرشناسی شماره ۴، تبریز ۱۳۵۳.
 ۲۵- از مقدمه دکتر منوچهر مرتضوی بر کتاب: شکویی حسین: شهرک‌های جدید، ص هشت.
 ۲۶- شکویی حسین، جغرافیای شهری، بخش دوم، کتابفروشی تهران، تهران، تبریز ۱۳۵۴.
 ۲۷- شکویی حسین: حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، شماره ۱۷، سلسله شهرشناسی شماره ۵، دانشگاه تبریز ۱۳۵۵ (= ۱۳۵۵).
 ۲۸- شکویی، حسین: حاشیه‌نشینان شهری، همانجا، صص ۲ و ۴.
 ۲۹- شکویی حسین: مسئولیت‌ها و تنگناها در انتقال حاشیه‌نشینان تبریز، ۱۳۵۶.
 ۳۰- از مقدمه دکتر منوچهر مرتضوی بر کتاب: شکویی حسین، محیط زیست شهری ۱۳۵۸، ص نه.
 ۳۱- شکویی حسین: محیط زیست شهری، ص ۱۳۷ تا ص ۱۴۰.
 ۳۲- شکویی حسین: جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، ۱۳۶۵، ص ۱۰۲ مقدمه مؤلف.

